

سلسلهٔ من یرد الله به خیراً یفقهه فی الدین (۲)  
خدونديه هرکس اراده خیرداشته باشد او را در دین آگاهی میدهد.

قبر:  
عذاب و خوشی آن

نوشتهٔ حسین العوايشة

ترجمهٔ

إسحاق بن عبدالله بن محمد الدبیری العوضي

## قبر: عذاب و خوشی آن

---

نام کتاب: قبر: عذاب و خوشی آن .

تأليف: حسين العوايشة .

ترجمه: أبو عبدالله إسحاق بن عبدالله الديبيري العوضي .

ناشر:

تیراژ:

نوبت چاپ دوم: ۱۴۲۱ هـ . ق .

حقوق الطبع محفوظه

کلیه حقوق چاپ محفوظ است

## قبر: عذاب و خوشی آن

مقدمه مترجم

إِنَّ الْحَمْدَ لِلَّهِ نَحْمَدُهُ وَنَسْتَعِينُهُ وَنَسْتَغْفِرُهُ وَنَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شُرُورِ أَنْفُسِنَا وَمِنْ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا مَنْ يَهْدِهِ اللَّهُ فَلَا مُضِلَّ لَهُ وَمَنْ يَضِلَّ فَلَا هَادِيَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ وَأَصْحَابِهِ وَمَنْ تَبِعَهُمْ بِإِحْسَانٍ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ أَمَّا بَعْدُ: رسول اکرم ﷺ به خداوند از عذاب قبر پناه خواستند، و امت خود را به آن امر کردند، چنانکه عبدالله بن عباس رضی الله عنهما روایت می‌کند که: رسول اکرم ﷺ به ما این دعا را می‌آموختند چنانکه سوره ای از قرآن می‌آموختند .

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ جَهَنَّمَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الْحَيَاةِ وَالْمَمَاتِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الْمَسِيحِ الدَّجَالِ». [مسلم] .

خدایا من از عذاب جهنم، و عذاب قبر، و فتنه زندگی و مرگ، و فتنه مسیح دجال بتو پناه می‌برم . سلف و نیاکان اهل سنت و جماعت به عذاب قبر و خوشی آن ایمان کامل دارند، و کفار و ملحدین آنرا انکار کرده و می‌گویند: اگر قبری را نبش کنیم چیزی از عذاب را در آن نخواهیم یافت .

در جواب گفته می‌شود: قرآن و سنت پیامبر ﷺ و اجماع سلف بر این عقیده اند که عذاب قبر و خوشی آن حق است . و باید گفت که احوال آخرت با احوال دنیا مقایسه

### قبر: عذاب و خوشی آن

نمی‌شود، و عذاب و خوشی قبر مانند عذاب و خوشی دنیا احساس نمی‌شود.

عذاب قبر و خوشی آن در قرآن و سنت پیامبر ﷺ و اجماع اهل سنت و جماعت ثابت است چنانکه خداوند می‌فرماید: **«النار يعرضون عليها غدوا وعشيا ويوم يقوم الساعة أدخلوا آل فرعون أشد العذاب»**. [غافر ۴۶].

[اینک آتش دوزخ را صبح و شام بر آنها عرضه می‌دارند، و چون روز قیامت شود خطاب آید که فرعونیان را به سخت‌ترین عذاب جهنم وارد کنید].

و فتنه قبر سؤال مرده از: معبود، دین، و پیامبر است، چنانکه باری تعالی می‌فرماید: **«يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ»**. [ابراهیم ۲۷].

[خدا پایدار می‌فرماید مردمی را که ایمان آوردند، آنان را ثابت قدم و پایدار می‌گرداند به کلمه حق در دنیا و آخرت].

پس بخاطر اینکه عذاب قبر و خوشی آن از مسائل مهم عقیدتی است خواستیم این کتابچه که: **«القبر: عذابه و نعيمه»**؛ [قبر: عذاب و خوشی آن] نام دارد و برادر محترم شیخ حسین العوايشة از برادران اردنی آنرا نوشته و بیانگر عذاب و خوشی قبر با دلایل واضح از قرآن و سنت پیامبر ﷺ می‌باشد به برادران فارسی زبان امت اسلام تقدیم داریم، تا اینکه سرمشقی برای آنان باشد.

در پایان از خداوند بزرگ مسئلت داریم که آنرا خالصاً

قبر: عذاب و خوشی آن

---

برای رضا و خوشنودی خود قرار دهد .  
و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین .  
وصلی الله وسلم علی نبینا محمد وعلی آله وصحبه  
أجمعین .

أبو عبد الله:  
إسحاق بن عبد الله دبیری

## قبر: عذاب و خوشی آن

مقدمه مؤلف

إِنَّ الْحَمْدَ لِلَّهِ نَحْمَدُهُ وَنُسْتَعِينُهُ وَنَسْتَغْفِرُهُ وَنَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شُرُورِ أَنْفُسِنَا وَمِنْ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا مَنْ يَهْدِهِ اللَّهُ فَلَا مُضِلَّ لَهُ، وَمَنْ يَضِلَّ فَلَا هَادِيَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَبَعْدُ:

با دنبال کردن سلسله<sup>۱</sup> (بداية السالكين) خداوند متعال مرا موفق فرمود تا این کتاب: (قبر: عذاب و خوشی آن) را بنویسم و ضروری دانستم تا این معلومات را به برادران مسلمان خود تقدیم نمایم، زیرا (عذاب قبر و خوشی آن) از جمله موضوعاتی است که به عقیده تعلق داشته و باید مسلمان آنرا بداند، پس با معرفت و دانستن ارکان ایمان، و عذاب قبر و خوشی آن، و عذاب آتش و خوشی بهشت؛ با دانستن اینها و ایمان داشتن به آن، آراستن باطن، که آراستن ظاهر بر آن مترتب می‌شود، و در آن سلوک و تربیت انسان مؤمن، و امن و امان او در جامعه، و همچنین در تمامی این دنیا خواهد بود، زیرا ما می‌دانیم که فساد مردم چه فرد و چه جامعه عدم و نابود بودن و ازع دینی و آنچه که انسان را از آن فساد باز می‌دارد است، و از بزرگترین و ازع دینی ایمان به خدای تعالی، و مراقبت او در سر و عین و در ظاهر و باطن، و ایمان به فرشتگان، و ایمان به قبر و آنچه در آن از خوشی و عذاب وجود دارد می‌باشد، و ایمان به بهشت و آتش جهنم، تا آخر آنچه انسان مؤمن باید به آنها ایمان آورد است.

### قبر: عذاب و خوشی آن

و شخص مؤمن قبل از اینکه از او امری صادر شود چه قول و چه فعل آنرا در ترازوی حق می‌گذارد، و آنرا با تقوی و پرهیزگاری، و جهنم و بهشت و خوشی قبر و عذاب آن می‌سنجد، پس با اینحال هیچ چیز از مؤمن صادر نمی‌شود بجز اعمال و کردار صالح و نیک، و اگر هم چیزی از بدی و آنچه خدا از آن راضی نیست از او رخ دهد، عذاب جهنم و قبر را بیاد خود می‌آورد و می‌بیند که اینها از بند کفش او، به او نزدیکترند، پس هیچ چاره‌ای جز استغفار و توبه و انابه ندارد، و خداوند را استغفار کرده با گریه و زاری، و خشوع و خضوع بسوی او باز می‌گردد.

با این تصورات مسلمانان صدر اسلام جهان را در دست گرفتند، و با جهل و نادانی و ترک این چیزها، امت اسلام زیانکار و خسارت دیده شد.

سعادت و استقرار و امن و امان و خوشی را از دست داد، و محبت و دوستی و الفت بین جامعه اسلامی از بین رفت، جهاد در راه خدا را ترک کردند.

با همه اینها که گذشت دشمنان اسلام در جامعه اسلامی طمع ورزیدند و آنها را محاصره کردند، چنانکه گروهی از مردم بر صینی خوراک جمع شده آنرا می‌خورند، پس چنان خسارت دیده شدند که جای صحبت نیست در حالیکه خسارت آخرت شدیدتر و بزرگتر است.

دین اسلام راه هدایت و نور است، و کسی که بخواهد

### قبر: عذاب و خوشی آن

آنرا پی کند اسلام این راه را برایش روشن می‌گرداند، و این همان دینی است که برای امت محمدی راه را روشن می‌گرداند، و دلها را با هم جمع کرده الفت می‌دهد، دشمنی را از بین برده و سعادت و عزت و مجد را به آنان می‌بخشاید و همه اینها با تمسك و چنگ زدن به دین حقیقی اسلام خواهد بود.

در پایان ناگفته نماند که سپاس خود را برای کسانی که مرا در اخراج این کتاب یاری داده ثبت کنم، بخصوص شیخ و معلم فاضل من: الشیخ محمد ناصرالدین الألبانی، که کتاب خود: (الترغیب والترهیب) قبل از اینکه بچاپ برسد در اختیار من گذاشت تا از آن استفاده ببرم، خداوند او را پاداش نیک دهد.

از خداوند متعال خواستارم تا این رساله را خالصانه برای رضا و خشنودی خود قرار دهد، و از من آنرا قبول فرماید، و من و برادران مسلمان را از عذاب قبر و آتش جهنم نجات دهد، و ما را با خوشی قبر و بهشت خرسند نماید، و از او عافیت و تندرستی در دنیا و آخرت مسئلت داریم، زیرا او قادر بر همه چیزهاست.



فصل اول:  
آنچه قبل از قبض روح رخ می‌دهد

متردد بودن خداوند در قبض روح مؤمن .  
از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:  
«إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَالَ: مَنْ عَادَى لِي وَلِيًّا فَقَدْ آذَنَنِي بِالْحَرْبِ، وَمَا تَقَرَّبَ إِلَيَّ عَبْدِي بِشَيْءٍ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا افْتَرَضْتُ عَلَيْهِ، وَمَا يَزَالُ عَبْدِي يَتَقَرَّبُ إِلَيَّ بِالنَّوَافِلِ حَتَّىٰ أَحْبَبَهُ، فَإِذَا أَحْبَبْتَهُ كُنْتُ سَمْعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ، وَبَصَرَهُ الَّذِي يُبْصِرُ بِهِ، وَيَدَهُ الَّتِي يَبْطِشُ بِهَا، وَرِجْلَهُ الَّتِي يَمْشِي بِهَا، وَلَئِن سَأَلَنِي لِأَعْطَيْتَهُ، وَلَئِن اسْتَعَاذَنِي لِأَعِيذْتَهُ، وَمَا تَرَدَّدْتُ عَنْ شَيْءٍ أَنَا فَاعِلُهُ، تَرَدَّدِي عَنْ نَفْسِ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ، يَكْرَهُ الْمَوْتَ، وَأَنَا أَكْرَهُ مَسَاءَتَهُ» . [بخاری] .  
خداوند در حدیث قدسی می‌فرماید: کسیکه با دوست و ولی من دشمنی کند، من با اعلام جنگ می‌کنم، و بنده مؤمن با هیچ چیز محبوبی نزد من، بهتر از فرائض با من نزدیک نمی‌شود، و بنده من همیشه با انجام نوافل با من نزدیک می‌شود تا اینکه من او را دوست می‌دارم، هنگامیکه من او را دوست داشتم، من گوش او می‌شوم که با آن می‌شنود، و چشم او می‌شوم که با آن می‌بیند، و دستش می‌شوم که با آن می‌گیرد، و پایش می‌شوم که با آن راه می‌رود، و اگر چیزی از من بخواهد به او می‌دهم، و اگر پناه بخواهد به او پناه می‌دهم، و من در انجام هیچ کاری متردد نشدم! مگر در قبض روح بنده

### قبر: عذاب و خوشی آن

مؤمنم، که او مرگ را نمی‌پسندد، و من اساءت و بدی به او را نمی‌پسندم — در نتیجه متردد می‌شوم — .

۲ — حضور شیطان هنگام مرگ:

شیطان تلاش می‌کند هنگام مرگ انسان حضور پیدا کند تا خاتمه انسان را با بدی، فسق و نافرمانی همراه نماید، همانطوریکه شیطان تلاش می‌نماید تا هنگام انجام همه اعمال حضور یابد — و انسان را دچار وسوسه کند — و دلیل این مطلب حدیث جابر رضی الله عنه است که گفت رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «إِنَّ الشَّيْطَانَ يَحْضُرُ أَحَدَكُمْ عِنْدَ كُلِّ شَيْءٍ مِنْ شَأْنِهِ، حَتَّى يَحْضُرَهُ عِنْدَ طَعَامِهِ، فَإِذَا سَقَطَتْ مِنْ أَحَدِكُمُ اللَّقْمَةُ، فَلْيَمِطْ مَا كَانَ بِهَا مِنْ أَذَى ثُمَّ لِيَأْكُلْهَا وَلَا يَدْعُهَا لِلشَّيْطَانِ، فَإِذَا فَرَّغَ فَلْيَلْعَقْ أَصَابِعَهُ، فَإِنَّهُ لَا يَدْرِي فِي أَيِّ طَعَامِهِ تَكُونُ الْبُرْكَاتُ». [مسلم] .

شیطان هنگام انجام هر کاری از کارهای شما حضور پیدا می‌کند بطوریکه حتی هنگام غذا خوردن حاضر می‌شود، پس اگر از دست شما لقمه غذا افتاد آنچه از آن ناپاک شده است دور کنید و بقیه آنرا بخورید و آنرا برای شیطان نگذارید، و هنگامیکه از خوردن غذا فارغ شدید، غذای انگشتان را با زبان تمیز کنید و بخورید زیرا هیچ کس نمی‌داند که در کدام قسمت غذا و خوردنی برکت وجود دارد .

فصل دوم:  
هنگام سكرات مرگ و خارج شدن روح از بدن انسان

۱ — کافر در این لحظه می‌خواهد او را به دنیا باز گردانند، خداوند متعال می‌فرماید: ﴿حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِن وَرَائِهِم بَرْزَخٌ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ﴾ . [المؤمنون ۹۹ - ۱۰۰] .

[خداوند عز و جل از حال کافران و کسانیکه وقت خود را بیهوده صرف کرده اند، در سكرات مرگ خبر می‌دهد که آنها از خداوند و فرشتگان می‌خواهند که آنان را به دنیا باز گردانند تا اعمال نیک انجام دهند و در راه خدا صدقه کنند] . مفسر قرطبی گوید: می‌گوییم: این سؤال خاص به کافران نیست، بلکه ممکن است مؤمن هم این سؤال را از باری تعالی بکند، همچنانکه در آخر سوره المنافقین ذکر شده است . و این آیه دلالت می‌کند که هیچ فردی دنیا را ترك نمی‌گوید مگر اینکه می‌داند، آیا او از دوستان و اولیاء خداست، و یا از دشمنان اوست، و اگر چنین نبود سؤال نمی‌کردند که ما را به دنیا باز گردانید، پس قبل از اینکه طعم مرگ را بچشید حال خود را می‌دانید .

﴿لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا﴾: عبدالله بن عباس رضي الله عنهما می‌گوید: (مرا برگردان تا عمل نیک انجام دهم) یعنی گواهی لا إله إلا الله بدهم، و ایمان بیاورم .

### قبر: عذاب و خوشی آن

**﴿فیما ترک﴾**: یعنی: (آنچه بیهوده ضایع کرده از طاعت‌های باری تعالی، و به آن عمل نکرده ام) و در روایت دیگر: (آنچه از مال ترک کرده ام تا اینکه آنرا صدقه دهم).

**﴿کلا﴾**: این کلمه رد بر اوست، یعنی: اینچنین نیست که تو گمان می‌کنی که دعوت تو اجابت می‌شود و تو را به دنیا باز می‌گردانند، بلکه این کلمه ای است که او بر زبان می‌آورد.

**﴿ومن ورائهم برزخ إلى يوم یبعثون﴾**: تهدیدی از جانب باری تعالی است که جلو آنها زندگی و حیات برزخی وجود دارد، یعنی: زندگی در قبر؛ که نه در دنیاست، و نه در آخرت، و این زندگی تا روز محشر ادامه دارد و برای کافران و فاسقان در قبر و عالم برزخ، تاریکی و عذاب است.

۲ - سکرات مرگ:

از عائشة رضي الله عنها روایت است که رسول اکرم ﷺ فرمودند: «لا إله إلا الله إن للموت لسكرات». [البخاري وأحمد]. نیست معبودی بحق مگر خدای یکتا، همانا برای مرگ سختی‌ها است.

۳ - هنگام مرگ ایمان کافر پذیرفته نمی‌شود.

از عبدالله بن عباس رضي الله عنهما روایت است که رسول اکرم ﷺ فرمودند: «لما أغرق الله فرعون قال: آمنتُ أنه لا إله إلا الذي آمنتُ به بنو إسرائيل، قال جبريل: يا محمد فلو رأيتني وأنا آخذ من حال البحر فأدسه في فيه مخافة أن تدرکه

قبر: عذاب و خوشی آن

الرحمة». [أحمد، الترمذی، صحیح الجامع حدیث ۵۰۸۲]

وقتی باری تعالی فرعون را در دریا غرق می‌کرد فرعون گفت: ایمان آوردم که جز خدائی که بنو اسرائیل، یعنی: فرزندان اسرائیل، آنرا می‌پرستیدند، خدایی دیگر وجود ندارد، جریریل علیه السلام در این حال به رسول اکرم صلی الله علیه و آله گفت: اگر مرا می‌دیدید که گِل و لای سیاه دریا را گرفته در دهان فرعون می‌گذاشتم از اینکه مبادا رحمت خداوندی به او برسد .  
۴ — آمدن فرشته مرگ بالای سر انسان قبل از خارج شدن روح از بدن .

۵ — بشارت فرشته مرگ به مؤمن که باری تعالی از او راضی است، و گناهانش بخشیده می‌شود، و بشارت کافر به اینکه باری تعالی از او راضی نیست و بر او خشمگین است .

فصل سوم:  
آنچه بعد از قبض روح انسان رخ می‌دهد

## قبر: عذاب و خوشی آن

- ۱ — روح انسان مؤمن از بدنش براحتی و آسانی خارج می‌شود، و کافر بعلت سختی خارج شدن روح از بدن معذب می‌شود. (🕌)
- ۲ — خروج روح انسان مؤمن مانند بهترین بوی عطر مُشکی که بر زمین وجود دارد، و خروج روح انسان کافر مانند بدترین بوی مرده ای که در زمین وجود دارد. (🕌)
- ۳ — انسان مؤمن هنگامیکه روحش از اطراف او خارج می‌شود خداوند سبحان را حمد و سپاس می‌گوید، چنانکه رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ تَخْرُجُ نَفْسُهُ مِنْ بَيْنِ جَنبَيْهِ وَهُوَ يَحْمَدُ اللَّهَ». صحیح الجامع حدیث [۱۹۲۷].
- روح انسان مؤمن از دو طرف بدنش و یا از دو جنبش بیرون می‌شود در حالیکه او باری‌تعالی را حمد و سپاس می‌گوید.
- ۴ — وقتی روح از بدن خارج می‌شود چشم انسان روح را دنبال می‌کند (بطرف آن نگاه می‌کند).
- رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: «إِنَّ الرُّوحَ إِذَا قَبِضَ عَلَيْهَا تَبَعَهُ الْبَصَرُ». [مسلم و غیره].
- اگر روح قبض و گرفته شد، چشم انسان آنرا دنبال می‌کند.
- ۵ — وقتی فرشتگان روح انسان مؤمن را با خود حمل می‌کنند درهای آسمان بر روی ایشان باز می‌شود.
- ۶ — دروازه های آسمان برای روح کفار بروی فرشتگان باز

## قبر: عذاب و خوشی آن

نمی‌شود . (ﷺ)

۷ — باری‌تعالی امر می‌کند تا روح انسان مؤمن بعد از اینکه کتاب اعمالش در علین (یکی از منازل بهشت) نوشته شود، به زمین باز گردانده شود . (ﷺ)

۸ — روح کافر از آسمان پرتاب می‌شود تا اینکه به جسد مرده اش برگردد، بعد از اینکه کتاب اعمالش در سجین (یکی از منازل جهنم) نوشته شود . (ﷺ)

۹ — انسان مرده وقتی دفن شد در قبر وحشت می‌گیرد، و با نشستن صالحین و مردان نیکوکار بالای قبر در موقع دفن به اندازه ای که شتری را ذبح کرده و گوشت آن تقسیم شود اُنس گرفته و از وحشت بیرون می‌رود، و انجام این کار مستحب است، و دلیل بر آن قول عمرو بن العاص رضی الله عنه است که گفت: «إِذَا دَفِنْتُمُونِي فَأَقِيمُوا حَوْلَ قَبْرِي قَدْرَ مَا تَنْحَرُ جَزُورٍ وَيَقْسِمُ لِحَمَّهَا حَتَّى أَسْتَأْنِسَ بِكُمْ وَأَنْظُرَ مَاذَا أَرَا جَعُ بِهِ رَسُلَ رَبِّي» . [مسلم] .

وقتی مرا دفن کردید بالای سرم به اندازه ای که شتری را کشته و گوشت آن تقسیم شود بنشینید، تا با شما اُنس و اُلْفَت بگیرم و ببینم چطور با دو فرشته منکر و نکیر مقابله کنم .

۱۰ — فشار قبر، و هیچ کس از آن نجات نخواهد یافت .  
از عبدالله بن عباس رضی الله عنهما روایت است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «لَوْ نَجَا أَحَدٌ مِنْ ضَمَّةِ الْقَبْرِ، لَنَجَا سَعْدُ بْنُ

قبر: عذاب و خوشی آن

معاذ، ولقد ضُمَّ ضُمَّةً، ثم رُوِيَ عنه». [صحيح الجامع ۵۱۸۲].

اگر کسی از فشار قبر نجان می‌یافت، سعد بن معاذ صحابی جلیل از آن نجات می‌یافت، ولی به او فشار خیلی سخت وارد شد، سپس آن فشار بر طرف گردید.

۱۱ — باز گرداندن عقل انسان به جسدش در قبر: عن عبدالله بن عمر رضي الله عنهما أن رسول الله ﷺ ذكر فتان القبر، فقال عمر: أترد علينا عقولنا يا رسول الله؟ فقال رسول الله ﷺ: «نعم كهيتك اليوم»، فقال عمر: بفيه الحجر. [صحيح الترغيب والترهيب جلد ۴ با سند حسن].

از عبدالله بن عمر رضي الله عنهما روایت است که رسول اکرم ﷺ فتنه های قبر را یاد کردند، عمر بن الخطاب ﷺ سؤال کرد ای رسول خدا آیا عقلهايمان به ما باز می‌گردد؟ رسول اکرم ﷺ فرمودند: بلی همچنانکه الآن عقل تو در جسدت می‌باشد، عمر ﷺ گفت: جواب او را خواهم داد، یعنی جواب فرشته را بدرستی خواهم داد.

اینجا عمر بن الخطاب ﷺ حسن ظن به باری تعالی داشت که خداوند او را موفق می‌کند تا جواب فرشته را بدهد.

۱۲ — مرده وقتی دوستان و همراهانی که برای دفن او آمده اند، او را وداع می‌گویند و از آنجا دور می‌شوند، صدای پای آنها را می‌شنود. (🌀)

۱۳ — چه وقت مرده مورد سؤال قرار می‌گیرد؟



### قبر: عذاب و خوشی آن

بعد از فراغ از دفن سؤال شروع می‌شود .  
فقد كان النبي ﷺ إذا فرغ من دفن الميت وقف عليه وقال:  
«استغفروا لأخيكم وسلوا له التثبيت فإنه الآن يسأل» .  
[أبوداود، صحيح الجامع ٩٥٨] .

و به اینخاطر چون دفن میت پایان می‌رسید رسول خدا ﷺ  
بر قبر ایستاده و می‌فرمودند: استغفار کنید برای او، از خداوند  
ثبات و پایداری بخواهید، زیرا هم اکنون از او سؤال می‌شود

۱۴ — دو فرشته برای سؤال کردن از میت می‌آید .  
۱۵ — نامهای دو فرشته ای که بر میت می‌آیند و چگونگی  
آنها:

از أبو هريرة رويته ﷺ روایت است که رسول اکرم ﷺ فرمودند:  
«إذا قبر الميت أتاه ملكان أسودان أزرقان، يقال لأحدهما  
المنكر وللآخر التكبير، فيقولان: ما كنت تقول في هذا  
الرجل؟ فيقول: ما كان يقول هو: عبد الله ورسوله، أشهد أن  
لا إله إلا الله وأن محمدا عبده ورسوله، فيقولان: قد كنا نعلم  
أنك تقول...» . [جزوی از حدیث ترمذی، صحيح الجامع  
حدیث ٧٣٧] .

وقتی میت دفن شد دو فرشته سیاه که به رنگ آبی شباهت  
دارند به نزد او می‌آیند، که به یکی از آنها مُنْكَر، و به دیگری  
نَکیر گفته می‌شود، سپس از میت سؤال می‌کنند: در باره  
آن مردی که در بین شما ظهور کرد چه می‌گفتی؟ (مقصود

### قبر: عذاب و خوشی آن

رسول اکرم ﷺ است)، مرده جواب می‌دهد: آنچه او می‌گفت که بنده و فرستاده خداست، همان می‌گفتم، و گواهی می‌دهم که معبودی بحق جز خدای یکتا نیست، و گواهی می‌دهم که محمد ﷺ بنده و فرستاده خداست، پس دو فرشته می‌گویند: ما می‌دانستیم که تو چنین جواب خواهی داد.

۱۶ — خداوند مؤمنین را در قبر ثابت قدم نگه می‌دارد، رسول اکرم ﷺ فرمودند: «إِذَا أَقْعَدَ الْمُؤْمِنُ فِي قَبْرِهِ أَتَى ثَمَّ شَهِدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ فَذَلِكَ قَوْلُهُ: «يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ» .» [البخاري].

هنگامیکه مؤمن در قبر نشانده می‌شود: گواهی می‌دهد که معبودی بحق جز خدای یکتا نیست، و محمد رسول و فرستاده خداست، و این همان قول خداوند است که می‌فرماید: «يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ» .

[خدا پایدار می‌فرماید مردمی را که ایمان آوردند، آنان را ثابت قدم و پایدار می‌گرداند به کلمه حق در دنیا و آخرت]. نزد مرگ به قول ثابت و حق بر دین اسلام و خاتمه خوب، و در قبر جواب دو فرشته را صحیح می‌دهد، اگر از او سؤال شد: معبود تو کیست و دین تو چیست؟ و پیامبر تو کیست؟ در جواب می‌گوید: معبود من خداست، و دین من اسلام است، و پیامبر من محمد ﷺ است.

### قبر: عذاب و خوشی آن

۱۷ — موفق شدن انسان مؤمن در جواب سؤال دو فرشته منکر و نکیر و عدم پیروزی کافر در آن .  
۱۸ — انسان مؤمن و صالح قبل از سؤال در قبر با راحتی و خوشحالی می‌نشیند، ولی انسان کافر و بدکار با ترس و ناراحتی در قبر می‌نشیند .

از عائشة رضي الله عنها روايت است كه: «جاءت يهودية استطعمت على بابي فقالت: أطعموني أعاذكم الله من فتنة الدجال ومن فتنة عذاب القبر، قالت: فلم أزل أحبسها حتى جاء رسول الله ﷺ، فقلت: يا رسول الله ما تقول هذه اليهودية؟ قال: وما تقول؟ قلت: تقول أعاذكم الله من فتنة الدجال ومن فتنة عذاب القبر، قالت عائشة رضي الله عنها، فقام رسول الله ﷺ ورفع يديه مدا يستعيز بالله من فتنة الدجال ومن فتنة عذاب القبر، ثم قال: أما فتنة الدجال فإنه لم يكن نبي إلا حذر أمته، وسأحدثكم بحديث لم يحذره نبي أمته؛ إنه أعور وإن الله ليس بأعور، مكتوب بين عينه كافر، يقرؤه كل مؤمن، فأما فتنة عذاب القبر ففي يفتنون وعني يسألون، فإذا كان الرجل الصالح أجلس في قبره غير فزع ولا مشعوف، ثم يقال له: فما كنت تقول في الإسلام؟ فيقال: ما هذا الرجل الذي كان فيكم؟ فيقول: محمد رسول الله جاء بالبينات من عند الله فصدقناه، فيفرج له فرجة قبل النار، فينظر إليها يحطم بعضها بعضاً، فيقال له: انظر إلى ما وقاك الله، ثم تفرج له فرجة إلى الجنة، فينظر إلى زهرتها وما فيها،

قبر: عذاب و خوشی آن

فیقال له: هذا مقعدك منها، ویقال: علی الیقین كنتَ وعلیه متَّ، وعلیه تبعث إن شاء الله .  
وإذا كان الرجل السوء أُجلِس فی قبره فزعاً مشعوفاً،  
فیقال: فما كنت تقول؟ فیقول: سمعت الناس یقولون قولاً  
فقلت كما قالوا، فیفرج له فرجة إلى الجنة، فینظر إلى زهرتها  
وما فیها، فیقال له: انظر إلى ما صرف الله عنك، ثم یفرج له  
فرجة قبل النار، فینظر إليها یحطم بعضها بعضاً، ویقال: هذا  
مقعدك منها، علی الشك كنتَ، وعلیه متَّ، وعلیه تبعث إن  
شاء الله، ثم یعذب» . [أحمد وصحیح الترغیب والترهیب] .

زن یهودی به پشت در خانه ام آمد و طلب خوراک کرد  
و گفت: مرا خوراک بدهید، خداوند شما را از فتنهٔ دجال و  
فتنهٔ عذاب قبر نجات دهد، عائشة رضی الله عنها گفت: او را  
همچنان نگه داشتیم تا اینکه رسول اکرم ﷺ آمد، گفتم: ای  
رسول الله این زن یهودی چه می‌گوید؟ آنحضرت ﷺ فرمود:  
مگر چه می‌گوید؟ گفتم: می‌گوید: خداوند شما را از فتنهٔ  
دجال و فتنهٔ عذاب قبر نجات دهد، عائشة رضی الله عنها  
گفت: رسول اکرم ﷺ ایستاد و دو دستش را بلند کرد و از  
فتنهٔ دجال و فتنهٔ عذاب قبر به خدا پناه برد، سپس فرمود: اما  
فتنهٔ دجال هیچ پیامبری نبوده مگر اینکه امت و پیروان خود  
را از فتنهٔ آن بر حذر داشته، و شما را از علامتهائی که در  
دجال وجود دارد با خبر می‌کنم که هیچ پیامبری امت و  
پیروان خود را از این علامتها بر حذر نداشته، دجال یك

### قبر: عذاب و خوشی آن

چشمش کور است، و خداوند چنین نیست، بین دو چشمش نوشته: کافر، و تمامی مؤمنان آنرا میخوانند. اما فتنه قبر در من و در باره من که رسول خدا هستم سؤال می‌شوند، که آیا می‌توانند جواب صحیح بدهند یا خیر، اگر میت انسانی صالح و نیکوکار باشد در قبر نشسته و هیچ ناراحتی و ترس ندارد، و به او گفته می‌شود: در باره دین اسلام چه می‌گفتی؟ و آن مردی که میان شما بود چه کسی بود.

فرد صالح و مؤمن جواب می‌دهد: او محمد رسول خداست، و باری‌تعالی او را با دلایل و براهین واضح از نزد خود فرستاد، و ما او را صادق و راستگو دانستیم و به پیامبری که از طرف خدا آمده قبول کردیم، در اینحال دریچه ای از طرف جهنم گشوده شده و او بطرف آن نگاه می‌کند که آتشی هولناک در هم پیچیده و همدیگر را می‌خورد، و به او گفته می‌شود: ببین و بنگر آنچه خداوند تو را از آن نجات داده، سپس دریچه ای از بهشت بسوی او باز می‌شود و به گلها و آنچه در بهشت وجود دارد نگاه می‌کند، و به او گفته می‌شود: این جایگاه و مسکن تو است، تو بر یقین و بر حق بودی، و بر آن دنیا را وداع گفتی، و بر آن *إن شاء الله* زنده و محشور خواهی شد.

و اگر انسانی بدکار و یا کافر باشد در حالیکه ترس و ناراحتی بر قلب او جای گرفته در قبر می‌نشیند و منتظر سؤال

### قبر: عذاب و خوشی آن

دو فرشته می‌شود، و به او گفته می‌شود: در دنیا چه می‌گفتی؟ جواب می‌دهد: شنیدم مردم چیزی می‌گفتند و من آنچه مردم می‌گفتند تکرار می‌کردم. سپس دریچه‌ای از بهشت بسوی او باز می‌شود و او به گلها و آنچه در آن می‌باشد نگاه می‌کند، و به او گفته می‌شود: بین و بنگر آنچه خدا تو را از آن محروم کرده، و دریچه‌ای از جهنم بر او باز می‌شود و آتش را می‌بیند که در هم می‌خورد و زبانه می‌کشد، و به او گفته می‌شود: این مسکن و جایگاه تو است، حقیقتاً که بر شك و تردید بودی، و بر آن مُردی، و بر آن در روز قیامت زنده و محشور خواهی شد، سپس در قبر به او عذاب داده می‌شود.

۱۹ — برای مؤمن دروازه‌ای از بهشت به قبرش باز می‌شود (❁)

۲۰ — برای کافر دروازه‌ای از جهنم به قبرش باز می‌شود. (❁)

۲۱ — مؤمن جایگاهش را در بهشت می‌بیند، و کافر جایگاهش را در جهنم می‌بیند. (❁)

۲۲ — قبر مؤمن به اندازه دید چشم وسیع می‌شود، و قبر کافر تنگ می‌شود. (❁)

۲۳ — عمل صالح و نیک مؤمن به شکل انسان خوش رو و صورت، با لباسی پاک دامن و خوش بو ظاهر می‌شود و او را (به بهشت و نعمتهای آن) بشارت می‌دهد، و اما کافر

### قبر: عذاب و خوشی آن

عمل او به شکل انسان خبیث و مجرم و بد رفتار، که لباسی کثیف و بد بو در تن دارد ظاهر و آشکار می‌شود و او را به سرانجام بد بشارت می‌دهد . (❁)

۲۴ — در قبر به کافر ضربتی با چکش زده می‌شود بطوریکه با این ضربه به خاک تبدیل می‌شود . (❁)  
ملاحظه: دلیل آن فقره هائیکه جلو آنها این علامت (❁) می‌باشد این حدیث است .

«عن البراء بن عازب رضی الله عنه قال: خرجنا مع النبي ﷺ في جنازة رجل من الأنصار فانتبهنا إلى القبر ولما يلحد، فجلس رسول الله ﷺ مستقبل القبلة وجلسنا حوله وكان على رؤوسنا الطير، وفي يده عود ينكت في الأرض، فجعل ينظر إلى السماء، وينظر إلى الأرض، وجعل يرفع بصره ويخفضه ثلاثاً، فقال: استعينوا بالله من عذاب القبر، مرتين، أو ثلاثاً، ثم قال: اللهم إني أعوذ بك من عذاب القبر، ثلاثاً، ثم قال: إن العبد المؤمن إذا كان في انقطاع من الدنيا وإقبال من الآخرة نزل إليه ملائكة من السماء بيض الوجوه كأن وجوههم الشمس، معهم كفن من أكفان الجنة، وحنوط من حنوط الجنة، حتى يجلسوا منه مد البصر، ثم يجيء ملك الموت عليه السلام حتى يجلس عند رأسه فيقول: أيتها النفس الطيبة (وفي رواية: المطمئنة) أخرجي إلى مغفرة من الله ورضوان، قال: فتخرج تسيل كما تسيل القطرة من في السقاء، فيأخذها (وفي رواية: حتى إذا خرجت روحه صلى عليه كل ملك بين

قبر: عذاب و خوشى آن

السماء والأرض، وكل ملك في السماء، وفتحت له أبواب السماء، ليس من أهل باب إلا وهم يدعون الله أن يعرج بروحه من قبلهم)، فإذا أخذها لم يدعوها في يده طرفة عين حتى يأخذوها فيجعلوها في ذلك الكفن، وفي ذلك الخنوط، فذلك قوله تعالى: ﴿توفته رسلنا وهم لا يفرطون﴾ ويخرج منها كأطيب نفحة مسك وجدت على وجه الأرض، قال: فيصعدون بها، فلا يمرون — يعني بها — على ملاء من الملائكة إلا قالوا: ما هذا الروح الطيب؟ فيقولون: فلان ابن فلان، بأحسن أسمائه التي كانوا يسمونه بها في الدنيا، فيستفتحون له فيفتح له، فيشيعه من كل سماء مقربوها، إلى السماء التي تليها، حتى ينتهي به إلى السماء السابعة، فيقول الله عز وجل: اكتبوا كتاب عبدي في عليين، ﴿وما أدراك ما عليون كتاب مرقوم يشهده المقربون﴾ فيكتب كتابه في عليين، ثم يقال: أعيدوه إلى الأرض فإني وعدتهم أنني: منها خلقتهم وفيها أعيدهم ومنها أخرجهم تارة أخرى، قال: فيُرد إلى الأرض وتعاد روحه في جسده .

قال: فإنه يسمع خفق نعال أصحابه إذا ولّوا عنه مدبرين، فيأتيه ملكان شديدا الانتهاز فينتهرانه ويجلسانه فيقولان له: من ربك؟ فيقول: ربي الله، فيقولان له: ما دينك؟ فيقول ديني الإسلام، فيقولان له: ما هذا الرجل الذي بعث فيكم؟ فيقول: هو رسول الله ﷺ، فيقولان له: وما عملك؟ فيقول: قرأت كتاب الله فآمنت به وصدقت، فينتهره، فيقول: من



قبر: عذاب و خوشى آن

ربك؟ ما دينك؟ من نبيك؟ وهي آخر فتنة تعرض على المؤمن، فذلك حين يقول الله عز وجل: ﴿يثبت الله الذين آمنوا بالقول الثابت في الحياة الدنيا﴾، فيقول: ربي الله، وديني الإسلام، ونبي محمد ﷺ، فينادي مناد من السماء، أن صدق عبدي، فأفرشوه من الجنة، وألبسوه من الجنة، وافتحوا له بابا إلى الجنة، قال: فيأتيه من روحها وطيبها، ويفسح له في قبره مد بصره، قال: وفي رواية: (يتمثل له رجل حسن الوجه، حسن الثياب، طيب الريح) فيقول: أبشر بالذي يسرك، أبشر برضوان من الله وجنات فيها نعيم مقيم، هذا يومك الذي كنت توعده، فيقول له وأنت فبشرك الله بخير، من أنت؟ فوجهك الوجه يجي بالخير، فيقول: أنا عملك الصالح فوالله ما علمتك إلا كنت سريعا في طاعة الله، بطيئا في معصية الله، فجزاك الله خيرا، ثم يفتح له باب من الجنة وباب من النار، فيقال: هذا منزلك لو عصيت الله، أبدلك الله به هذا، فإذا رأى ما في الجنة قال: ربّ عجلّ قيام الساعة، كيما أرجع إلى أهلي ومالي، فيقال له: اسكن .

قال: وإن العبد الكافر، وفي رواية الفاجر إذا كان في انقطاع من الدنيا وإقبال من الآخرة نزل إليه من السماء ملائكة غلاظ شداد، سود الوجوه، معهم المسوح من النار، فيجلسون منه مد البصر، ثم يجي ملك الموت حتى يجلس عند رأسه فيقول: أيتها النفس الخبيثة أخرجي إلى سخط من الله وغضب، قال: فتفرق في جسده فينتزعها كما ينتزع السفود

قبر: عذاب و خوشی آن

الكثير الشعب من الصوف المبلول، فتقطع معها العروق والعصب، فيلعبه كل ملك بين السماء والأرض، وكل ملك في السماء، وتغلق أبواب السماء، ليس من أهل باب إلا وهم يدعون الله ألا تعرج روحه من قبلهم، فيأخذها، فإذا أخذها لم يدعوها في يده طرفة عين حتى يجعلوها في تلك المسوح، ويخرج منها كأنتن ريح جيفة وجدت على وجه الأرض، فيصعدون بها، فلا يمرون بها على مالا من الملائكة إلا قالوا: ما هذا الروح الخبيث؟ فيقولون: فلان ابن فلان، بأقبح أسمائه التي كان يسمى بها في الدنيا، حتى ينتهي به إلى السماء الدنيا، فيستفتح له فلا يفتح له، ثم قرأ رسول الله ﷺ: ﴿لا تفتح لهم أبواب السماء ولا يدخلون الجنة حتى يلج الجمل في سم الخياط﴾، فيقول الله عز وجل: اكتبوا كتابه في سجين، في الأرض السلفى، ثم يقال: أعيدوا عبدي إلى الأرض فإني وعدتكم أني: منها خلقتهم، وفيها أعيدهم، منها أخرجهم تارة أخرى، فتطرح روحه من السماء طرحا حتى تقع في جسده، ثم قرأ: ﴿ومن يشرك بالله فكأنما خر من السماء فتخطفه الطير أو تهوي به الريح في مكان سحيق﴾، فتعاد روحه في جسده، قال: فإنه ليسمع خفق نعال أصحابه إذا ولوا عنه، ويأتيه ملكان شديدا الانتهار فينتهرانه ويجلسانه فيقولان له: من ربك؟ فيقول: هاه هاه، لا أدري، فيقولان: ما دينك؟ فيقول: هاه هاه، لا أدري، فيقولان: فما تقول في هذا الرجل الذي بعث فيكم؟ فلا يهتدي لاسمه، فيقال محمدا! فيقول هاه

قبر: عذاب و خوشی آن

هاه، لا أدري سمعت الناس يقولون ذلك! قال: فيقال: لا دريت، ولا تلوت، فينادي منادٍ من السماء أن كذب، فأفرشوا له من النار، وافتحوا له باباً إلى النار، فيأتيه من حرها وسمومها، ويضيق عليه قبره حتى تختلف فيه أضلعه، ويأتيه، وفي رواية: ويمثل له رجل قبيح الوجه، قبيح الثياب، منتن الريح، فيقول: أبشر بالذي يسوؤك، هذا يومك الذي كنت توعده، فيقول: وأنت فبشرك الله بالشر، من أنت؟ فوجهك الوجه يجيء بالشر، فيقول: أنا عمك الخبيث، فو الله ما علمت إلا كنت بطيئاً عن طاعة الله، سريعاً إلى معصية الله، فجزاك الله شراً، ثم يقيض له أعمى أصم بكم في يده مرزبة! لو ضري بها جبل كان تراباً، فيضربه ضربة حتى يصير بها تراباً، ثم يعيده الله كما كان، فيضربه ضربة أخرى، فيصيح صيحة يسمعه كل شيء إلا الثقلين، ثم يفتح له باب من النار، ويمهد من فرش النار، فيقول: رب لا تقم الساعة. [أحكام الجنائز ١٥٦ - ١٥٩].

از براء بن عازب رضي الله عنه روایت است که فرمودند: با رسول خدا صلی الله علیه و آله همراه جنازهٔ مردی از انصار بیرون شدیم، به قبر رسیدیم و هنوز لحد زده نشده بود، و حفر آن تمام نشده بود، رسول اکرم صلی الله علیه و آله رو به قبله نشستند و ما اطراف او نشستیم، و هیچیک از ما صحبت نمی‌کرد، در دست رسول خدا صلی الله علیه و آله چوبی بود و با آن بر زمین خطهایی می‌کشید، و شروع کرد، اندکی به آسمان نگاه می‌کرد، و اندکی بسوی زمین

### قبر: عذاب و خوشی آن

می‌نگریست، بعد از آن سه بار بطرف بالا، و سه بار بطرف پایین نگاه کرد، سپس دو یا سه بار فرمود: از عذاب قبر به خدا پناه ببرید، بعد سه بار فرمود: خدایا از عذاب قبر بتو پناه می‌برم، سپس فرمود: بنده مؤمن چون دنیا را وداع گوید و به استقبال آخرت رود فرشتگانی سفید رو از آسمان بر او نازل می‌شوند، رو و صورتشان همانند آفتاب روشن است، کفنی از کفنه‌های بهشت، و عطرها و ویژه اموات مانند کافور و غیره همراه دارند، تا چشم مرده می‌بیند از او دور می‌نشینند، سپس ملك الموت علیه السلام، یعنی فرشته‌ای که روح را قبض می‌کند (عامه مردم آنرا به عزرائیل می‌خوانند، و آنچه در قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شده است، ملك الموت می‌باشد، و ممکن است عزرائیل از اسمهای اسرائیلی باشد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: آنرا تصدیق و تکذیب نکنید)، تا اینکه بالای سرش بنشیند و به او می‌گوید: ای روح پاک، — و در روایتی دیگر — ای روح مطمئن، بسوی مغفرت و رضوان خدا خارج شو، رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: پس روح از جسد به آسانی خارج می‌شود، همچنانکه قطره آبی از کوزه آب خارج می‌گردد.

پس ملك الموت آنرا می‌گیرد — و در روایتی دیگر — وقتی روح از جسد خارج شد تمامی فرشتگان بین آسمان و زمین و تمام فرشته‌های آسمان درود می‌فرستند و دروازه‌های آسمان بر روحش باز می‌شوند، و اهل هر دری از درهای

### قبر: عذاب و خوشی آن

آسمان تمنا می‌کنند و از خدا می‌خواهند تا روح این مرده را از جهت ایشان بطرف خود سوق دهد، و وقتی ملك الموت روح را از جسد خارج کرده و در دست گرفت فرشته‌های رحمت که دور از او نشسته بودند فوراً به اندازه چشم به هم زدن روح را از دست او گرفته و در آن کفن و عطرهايکيه از بهشت با خود آورده بودند می‌گذارند، پس این کلام خداست که در قرآن فرمودند: **﴿توفیه رسالنا وهم لا یفرطون﴾**. [فرستادگان ما یعنی ملك الموت و فرشتگانی که با او هستند او را قبض روح می‌کنند، و آنها در آنچه به آنها امر شده، که اگر میت مؤمن باشد در اکرام او کوتاهی نکنند، و اگر کافر باشد در اهانت و بد رفتاری و آنچه به آنها امر شده کوتاهی نمی‌کنند].

و روح از جسد خارج می‌شود همانند بهترین بوی عطر مُشکی که بر زمین پیدا شود، و فرمود: پس آنرا بطرف آسمان می‌برند، و بر هیچ ملاء و جمعی از فرشتگان نمی‌گذرند مگر اینکه آنها سؤال می‌کنند: این روح خوش بو روح چه کسی است؟ پس فرشتگانی که آن روح را حمل می‌کنند جواب می‌دهند: این روح فلان ابن فلان است، با بهترین نامهایی که در زمین داشته و مردم با آن او را صدا می‌کردند، تا اینکه به انتهای آسمانی که ما آنرا در دنیا می‌بینیم برسند، پس طلب می‌کنند که درب آسمان دوم بر آنها باز کنند، سپس درب آسمان بر آنها باز می‌شود و در هر آسمان فرشتگانی که در

### قبر: عذاب و خوشی آن

نزدیکی آن روح هستند در تشییع جنازه آن روح پاک شرکت می‌کنند، تا اینکه به آسمان هفتم برسند، در اینجا باری تعالی می‌فرماید: کتاب اعمال بنده صالح مرا در علین بنویسید، و آنهم بلندترین و عالی‌ترین منازل بهشت است.

﴿وما أدراك ما علیون کتاب مرقوم یشهده المقربون﴾.

[ای محمد! چه تو را با خبر کرده که علیون چیست؟ سپس تفسیر کرد و فرمود: کتابی است نوشته شده و حاوی عمل خوبان و نیکان که فرشتگان هر آسمان گواه آن هستند]

پس کتابش را در علیون نوشته شده، سپس گفته می‌شود: روحش را به زمین برگردانید، و خداوند می‌فرماید: [من به بنده خود وعده داده‌ام که از زمین او را خلق کرده، و به آن او را برمی‌گردانم، و بار دیگر او را از زمین خارج خواهم کرد]، یعنی روز محشر، پس روحش را به زمین برمی‌گردانند و روحش به جسدش برمی‌گردد، رسول الله ﷺ فرمودند: مرده صدای کفش پای دوستانش که برای دفن او آمده اند را می‌شنود وقتی از او جدا می‌شوند، پس بر او دو فرشته می‌آید و او را توبیخی شدید کرده و او را می‌نشانند و به او می‌گویند: معبود تو چه کسی است؟ جواب می‌دهد: معبود من الله است، و به او می‌گویند: دین تو چیست؟ جواب می‌دهد: دین من اسلام است، و به او می‌گویند: آن مردی که بر شما مبعوث شد چه کسی است؟ جواب

### قبر: عذاب و خوشی آن

می‌دهد: او رسول الله ﷺ است، و به او می‌گویند: در دنیا چه کردی؟ جواب می‌دهد: قرآن خواندم، و به آن ایمان آوردم، و آنرا تصدیق نمودم، بار دیگر او را توبیخ شدیدی کرده به او می‌گویند: معبود تو چه کسی است؟ دین تو چیست؟ پیامبر تو چه کسی است؟ و این آخرین فتنه‌ای است که بر مؤمن وارد می‌شود، و این کلام خداست که می‌فرماید: ﴿يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا﴾ .

[خداوند مسلمانان را به سخن درست در زندگانی دنیا ثابت و استوار می‌سازد] .

پس میت جواب می‌دهد: معبود من الله است، و دین من اسلام است، و پیامبر من محمد ﷺ است، پس ندائی از آسمان بصدا در می‌آید که بنده من راست می‌گویند، پس از بهشت برای او فرش کنید، و از لباسهای بهشت بر تن او کنید، و دری از بهشت بر روی او باز کنید، رسول اکرم ﷺ فرمودند: پس از بهشت بوهای زیبا و خوب به مشام او می‌رسد، و قبرش وسعت پیدا می‌کند که طول آن آخرین نقطه‌ای است که مرده آنرا می‌تواند ببیند، و نزد او می‌آید — و در روایتی — مردی خوش رو، و پاک دامن که از او بوی خیلی خوبی می‌آید، و به او می‌گوید: بشارت بده آنچه بر تو آسان است، بشارت بده به رضوان و رحمت خداوندی و بهشتی که در آن نعمتهای بی پایان است، این روزی است

### قبر: عذاب و خوشی آن

که تو به آن وعده داده شده بودی، پس میت می‌گوید: خداوند تو را به عمل نیک بشارت دهد، تو کی هستی؟ صورتت و رویت، رویی است که به خیر بشارت می‌دهد، وی جواب می‌دهد: من عمل صالح تو هستم، به خدا سوگند تو را ندیدم مگر اینکه در طاعت خدا سباق و سریع بودی، در معصیت خدا کند بودی، پس خداوند تو را ثواب و جزای خیر بدهد، سپس دری از سوی بهشت و دری از سوی جهنم بر او باز می‌شود و به او گفته می‌شود: این منزل و مسکن تو است اگر معصیت خدا می‌کردی، و خداوند به مسکنی که در بهشت است تبدیل کرده، و وقتی آنچه در بهشت است دید می‌گوید: بار الهی! در قیام ساعت و آخرت عجله کن تا اینکه بسوی اهل و مالم برگردم، پس به او گفته می‌شود: منزل بگیر.

رسول اکرم ﷺ فرمودند: و بنده کافر — و در روایتی — فاجر وقتی دنیا را وداع گفته و به استقبال آخرت می‌رود بر او فرشته‌هایی درشت خو، سیاه رو نازل می‌شود که لباسی از موی جهنم با آنهاست، و تا آنجائیکه مرده به چشم می‌بیند دور از او می‌نشینند، سپس ملك الموت می‌آید و بالای سر میت می‌نشیند و به او می‌گوید: ای روح خبیث و ناپاک بسوی سخط و غضب و خشم خداوند خارج شو، رسول اکرم ﷺ فرمودند: پس روحش در بدن و جسدش متفرق می‌شود، ملك الموت آنرا کشیده و از بدنش خارج می‌کند



### قبر: عذاب و خوشی آن

همچنانکه سفود: یعنی سیخ کبابی که در اطراف آن سیخهای دیگری وجود دارد (پس وقتی آنرا از پشمی که در آب خیس شده بیرون آورده می‌شود با خود پشمهای دیگری می‌کشد و با دشواری از آن بیرون می‌آید)، را از پشمی که در آب خیش شده بیرون آورده می‌شود، پس رگها و عصبهایش با آن قطع می‌شود و او را همه فرشتگانی که بین آسمان و زمین و در آسمان هستند لعنت می‌کنند و درهای آسمان بسته می‌شوند، هیچ دری از درهای آسمان نیست مگر اینکه دربانهای آن درها دعا می‌کنند که خداوند روح این مرده را از طرف ایشان بالا نبرد، پس ملك الموت روح را گرفته و وقتی در دست گرفت فرشته‌های عذاب که دور از او نشسته اند به اندازه چشم به هم زدن روح را از او گرفته و در آن لباس موئی قرار می‌دهند، و از آن مانند بدترین بوی مرده ای که در زمین پیدا شود خارج می‌گردد، سپس آنرا بالا می‌برند، و به هیچ ملأ و جمعی از فرشتگان عبور نمی‌کنند بجز اینکه می‌گویند: این روح خبیث و بد چه چیز است؟ جواب داده می‌شوند: فلانی فرزند فلان، با بدترین اسمهایی که در دنیا نام داشته، تا اینکه به آسمان دنیا برسند، سرانجام درخواست باز کردن دروازه‌های آسمان را به روی او می‌کنند، ولی درها باز نمی‌شوند، سپس رسول اکرم ﷺ این آیه کریمه را تلاوت فرمود: ﴿لَا تَفْتَحْ لَهُمْ أَبْوَابَ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ﴾ .

### قبر: عذاب و خوشی آن

[درهای آسمان بروی آنان با نشود و به بهشت در نیایند تا اینکه شتر در سوراخ سوزن در آید].  
و در اینجا باری تعالی می‌فرماید: [کتاب عمل این مرده را در سجین بنویسید: (یکی از منازل جهنم در طبقه آخر زمین جهنم)، سپس گفته می‌شود: او را به زمین برگردانید، زیرا به بنده خود وعده داده ام که او را از زمین خلق کرده، و به آن برمی‌گردانم، و بار دیگر او را از زمین حشر خواهم کرد، پس روحش از آسمان به زمین بطور خیلی شدید پرتاب می‌شود، تا اینکه به جسدش برسد، سپس رسول اکرم ﷺ این آیه کریمه را تلاوت فرمودند: «ومن یشرك بالله فکأنما خرّ من السماء فتخطفه الطیر أو تموي به الريح في مکان سحیق»].

[هر کس بخدا شرك آورد بدان ماند که از آسمان در افتد و مرغان در فضا بدنش را با منقار برابند، یا بادی تند او را به مکانی دور افکند].

پس روحش به جسدش برمی‌گردد، سپس فرمود: مرده صدای پای دوستانش را که برای دفنش آمده بودند و هم اکنون او را ترك می‌کنند می‌شنود، و دو فرشته نزد او می‌آیند و او را توییح کرده و در قبرش می‌نشانند، و به او می‌گویند: معبود تو چه کسی است؟ جواب می‌دهد: هاه هاه (این کلمه در اینجا به معنای ترس و بیم و هراس است)، نمی‌دانم، و به او می‌گویند: دین تو چیست؟ جواب می‌دهد:

### قبر: عذاب و خوشی آن

هاله های نمی‌دانم، پس به او می‌گویند: در باره آن مردی که در میان شما مبعوث شد چه می‌گوئی؟ می‌گوید: اسمش را بیاد نمی‌آورم، پس به او گفته می‌شود: نام او محمد است، جواب می‌دهد: هاله هاه، نمی‌دانم، شنیدم مردم چنان می‌گویند، فرمود: پس به او گفته می‌شود: ندانستی، و نخواندی، پس منادی از آسمان ندا می‌کند که او دروغ می‌گوید، پس برای او از جهنم فرش کنید، و بر او دری از جهنم باز کنید، و بر او وارد می‌شود — و در روایتی — مردی بد چهره و زشت، و پلید دامن که از او بوی خیلی بد و نفرت انگیزی می‌آید ظاهر می‌شود، و به او می‌گویند: تو را به توهین و اساءت و زیانکاری و بدبختی بشارت می‌دهم، این روزی است که بتو وعده داده شده بود، پس مرده می‌گوید: و خداوند تو را به بدی بشارت دهد، تو چه کسی هستی؟ صورت تو صورتی است که خیر زشتی همراه دارد، جواب می‌دهد: من عمل خبیث تو هستم، بخدا سوگند تو را ندیدم مگر اینکه در طاعت خدا تنبل بودی، و در معصیت او زرنگ و چابک بودی، پس خداوند تو را جزای بد بدهد، پس بر او کور و کر و لالی مسلط می‌شود که چکشی در دست دارد که اگر آنرا به کوهی بزند کوه به خاک تبدیل می‌شود، پس به میت ضربه ای می‌زند که میت تبدیل به خاک می‌شود، سپس خدا او را به همان جسدی که بوده برمی‌گرداند، بار دیگر به او ضربه ای می‌زند با این ضربه او

### قبر: عذاب و خوشی آن

فریاد می‌کشد که بجز انس و جن همه مخلوقات آواز و فریاد او را می‌شنوند، سپس بر او دری از جهنم باز می‌شود و برایش از جهنم فرش می‌شود، و مرده می‌گوید: بار الهی! قیامت را بر پا مکن .

۲۵ — اهل آسمان روح پاك را خوش آمد می‌گویند و به او بشارت نیکو و خوب می‌دهند .

۲۶ — اهل آسمان روح ناپاك را خوش آمد نمی‌گویند و به او بشارت بد می‌دهند .

۲۷ — آتشی که خداوند مؤمن را از آن نجات داده است دیده می‌شود .

۲۸ — دریچه ای از سوی بهشت باز می‌شود تا انسان بدکار جایگاهی را که از آن محروم شده است ببیند .

قال ﷺ: «إن الميت تحضره الملائكة، فإذا كان الرجل صالحاً قال: اخرجي أيتها النفس الطيبة كانت في الجسد الطيب، اخرجي حميدة، وأبشري بروح وريحان، ورب غير غضبان، فلا يزال يقال ذلك حتى تخرج، ثم يعرج بها إلى السماء فيستفتح لها، فيقال: من هذا؟ فيقول: فلان، يقال: مرحباً بالنفس الطيبة، كانت في الجسد الطيب، ادخلي حميدة، وأبشري بروح وريحان، ورب غير غضبان، فلا يزال يقال لها حتى ينتهي بها إلى السماء التي فيها الله تبارك وتعالى .

فإذا كان الرجل السوء، قال اخرجي أيتها النفس الخبيثة، كانت في الجسد الخبيث، اخرجي ذميمة، وأبشري بحميم

قبر: عذاب و خوشی آن

وغسّاق، و آخر من شكله أزواج، فلا يزال يقال لها ذلك حتى تخرج، ثم يعرج بها إلى السماء فيستفتح لها، فيقال: من هذا؟ فيقال: فلان، فيقال: لا مرحباً بالنفس الخبيثة كانت في الجسد الخبيث، ارجعي ذميمة، فإنها لا تفتح لك أبواب السماء، فترسل من السماء، ثم تصير إلى القبر .

فيجلس الرجل الصالح في قبره غير فزع ولا مشعوف، ثم يقال له: فيم كنت، فيقول: كنت في الإسلام، فيقال له: ما هذا الرجل؟ فيقول: محمد رسول الله ﷺ جاءنا بالبينات من عند الله فصّدقناه، فيقال له: هل رأيت الله؟ فيقول: ما ينبغي لأحد أن يرى الله، فيفرج له فرجة قبل النار، فينظر إليها يحطم بعضها بعضاً، فيقال له: انظر إلى ما وقاك الله تعالى، ثم يفرج له فرجة قبل الجنة، فينظر إلى زهرتها وما فيها، فيقال له: هذا مقعدك، ويقال له: على اليقين كنت، وعليه مت، وعليه تبعث إن شاء الله .

ويجلس الرجل السوء في قبره فزعاً مشعوفاً، فيقال له: فيم كنت؟ فيقول: لا أدري، فيقال له: ما هذا الرجل؟ فيقول: سمعت الناس يقولون قولاً فقلته، فيفرج له فرجة قبل الجنة، فينظر إلى زهرتها وما فيها، فيقال له: انظر إلى ما صرف الله عنك، ثم يفرج له فرجة إلى النار، فينظر إليها يحطم بعضها بعضاً، فيقال له: هذا مقعدك، على الشك كنت، وعليه مت، وعليه تبعث إن شاء الله، [ابن ماجه، وصحيح الجامع ١٩٦٤، وصحيح الترغيب والترهيب] .

### قبر: عذاب و خوشی آن

رسول اکرم ﷺ فرمودند: فرشته نزد میت حاضر می‌شود، پس اگر میت فردی صالح و نیکوکار بود فرشته می‌گوید: ای روح پاکی که در جسد پاک هستی، خارج شو در حالیکه سپاسگذاری، و او را به بوهای خوش و خوب و رضایت خداوند بشارت می‌دهد، و همچنان به او این کلمات گفته می‌شود تا اینکه روح از جسد خارج گردد، سپس بطرف آسمان بالا برده می‌شود، و طلب استفتاح و باز کردن در آسمان می‌شود، و گفته می‌شود: این چه کسی است؟ جواب می‌دهد: فلان است، اسمش را می‌گویند، گفته می‌شود: مرحبا، روح پاکی که در جسد پاک بوده است، خوش آمد شاکر و سپاسگذار داخل شود، و او را به بوهای خوب و خوش و رضایت خداوند و عدم خشم او بشارت می‌دهند، همچنان اینها به او گفته می‌شود تا اینکه به آسمان که در آن باری تعالی است برسد .

و اگر مرده مردی بدکار باشد به او می‌گویند: ای روح بد که در جسد پلید و ناپاک هستی خارج شو در حالیکه گناه کرده ای، و پست و ذلیل هستی، و تو را بشارت می‌دهیم به حرارتی که به انتهایش رسیده است، و سردی که شدت آن قابل تحمل نیست، و تو را به انواع مختلف عذاب بشارت می‌دهیم، و همچنان به او این کلمات گفته می‌شود تا روح از بدن خارج گردد، سپس بطرف آسمان بالا برده می‌شود و طلب باز کردن در آسمان می‌شود، گفته می‌شود: این چه

### قبر: عذاب و خوشی آن

کسی است؟ جواب داده می‌شود: فلان، اسمش ذکر می‌شود، گفته می‌شود: این روح خبیث که در جسد خبیث و ناپاک بوده است، خوش نیامد با بار گناه ذلیل و سرزنش شده برگرد، زیرا درهای آسمان بر تو باز نمی‌شود، پس از آسمان فرستاده می‌شود و بسوی قبر می‌رود .

مرد صالح و نیکوکار در قبرش بدون ترس و هول و هیچگونه بیم و هراسی می‌نشیند، و به او گفته می‌شود: به چه دینی بودی؟ جواب می‌دهد: به دین اسلام، و به او گفته می‌شود: چه کسی است آن مردی که بین شما ظهور کرد؟ می‌گوید: محمد رسول الله ﷺ، مبعوث شد در حالیکه با او براهین و آیات و دلایل واضح و آشکار از نزد خداوند بود، و ما او را تصدیق کردیم، به او گفته می‌شود: آیا باری تعالی را دیده‌ای؟ جواب می‌دهد: نباید در دنیا کسی خدا را ببیند، پس دریچه‌ای از طرف جهنم بسوی او باز می‌شود و به آن نگاه می‌کند در حالیکه بعضی در بعضی دیگر می‌پیچند، و به او گفته می‌شود: نگاه کن و بین آنچه خداوند تو را از آن نجات داده، سپس دریچه‌ای از طرف بهشت بر او باز می‌شود و او به گلها و آنچه در آن می‌باشد نگاه می‌کند، و به او گفته می‌شود: این مسکن و جایگاه تو است، و به او گفته می‌شود: بر یقین بودی و بر آن یقین مردی، و بر آن روز قیامت مبعوث خواهی شد، إن شاء الله .

و مرد سوء و بدکار در قبرش با ترس و خوف می‌نشیند

### قبر: عذاب و خوشی آن

و به او گفته می‌شود: بر چه دینی بودی؟ جواب می‌دهد: نمی‌دانم، به او گفته می‌شود: آنفرد که میان شما مبعوث شد چه کسی است؟ جواب می‌دهد: نمی‌دانم، شنیدم مردم چیزی می‌گویند من هم همان گفتم، پس دریچه ای از طرف بهشت بر او باز می‌شود و او به گلها و آنچه در آن هست نگاه می‌کند، و به او گفته می‌شود: نگاه کن به آنچه خداوند تو را از آن محروم کرده، سپس دریچه ای از طرف جهنم بر رویش باز می‌شود، و نگاه می‌کند که بعضی با بعضی دیگر در هم می‌پیچد، و به او گفته می‌شود: این مسکن و جایگاه تو است، بر شك بودی، و بر آن شك مردی، و بر آن روز قیامت مبعوث خواهی شد، إن شاء الله .

۲۹ — بوی خوب روح مؤمن به مشام فرشتگان می‌رسد

۳۰ — خوشحالی مردگان مؤمن بقدم روح مرده مؤمن جدید، بیشتر از خانواده ای است که مسافر آنها از سفر آمده است .

۳۱ — روح انسان مؤمن وقتی به ارواح مؤمنان دیگر می‌پیوندد از غم دنیا راحت می‌شود .

از ابو هریره رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا قُبِضَ أَتَتْهُ مَلَائِكَةُ الرَّحْمَةِ بِحَرِيرَةٍ بِيضَاءَ، فَيَقُولُونَ: أَخْرَجِي إِلَى رَوْحِ اللَّهِ، فَتَخْرُجُ كَأَطْيَبِ رِيحِ الْمَسْكَ، حَتَّى إِذَا لَبَّيْنَاهُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا فَيَشْمُونَهُ حَتَّى يَأْتُوا بِهِ



قبر: عذاب و خوشی آن

باب السماء، فيقولون: ما هذه الريح الطيبة التي جاءت من الأرض؟ ولا يأتون بماء إلا قالوا مثل ذلك، حتى يأتوا به أرواح المؤمنين، فإنهم أشد فرحا به من أهل الغائب بغائبهم، فيقولون: ما فعل فلان؟ فيقولون: دعوه حتى يستريح فإنه كان في غم الدنيا، فيقولون: قد مات، أما أتاكم؟ فيقولون: ذهب به إلى أمه الهاوية .

وأما الكافر فيأتيه ملائكة العذاب بمسح فيقولون: اخرجي إلى غضب الله، فتخرج كأنك ریح جيفة، فيذهب به إلى باب الأرض». [ابن حبان، ابن ماجه، وصحيح الترغيب والترهيب] .

وقتی روح انسان مؤمن قبض و گرفته می‌شود فرشته های رحمت با ابریشمی سفید رنگ می‌آیند و می‌گویند: بسوی رحمت خداوند خارج شو، روح مؤمن مانند بهترین بوی عطر مشک بیرون می‌شود، بطوریکه فرشتگان آنرا دست بدست می‌گردانند، و بوی آنرا استشمام می‌کنند، تا اینکه به دروازه آسمان می‌برند، نگهبانان آسمان می‌گویند: این بوی خوبی که از زمین آمده چیست؟ و فرشتگان به هر آسمانی که می‌رسند این جمله به آنها گفته می‌شود، تا اینکه روح این فرد را نزد ارواح مؤمنین می‌برند، خوشحالی مؤمنین بیشتر از خوشحالی کسانی است که مسافر آنها از سفر می‌آید، ارواح مؤمنین از او می‌پرسند: فلانی چه کار کرد؟ فرشتگان می‌گویند: او را بگذارید تا استراحت کند زیرا او در غم دنیا بوده است،

### قبر: عذاب و خوشی آن

بالآخره در جواب آنها می‌گویند: او فوت کرد، آیا نزد شما نیامد؟ آنها می‌گویند: او به جایگاهش در جهنم برده شده است .

اما فرد کافر فرشته های عذاب با پارچه ای که از مو بافته شده است می‌آیند و به او می‌گویند: بسوی خشم خداوند بیرون شو، پس روح کافر مثل بد بوترین بوی حیوان مرده بیرون می‌شود، فرشتگان آنرا بسوی دروازه زمین می‌برند .

۳۲ — ادامه نمایش و نشان دادن مسکن و جایگاه انسان در قبر، از بهشت یا از جهنم .

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿التَّارِ يَعْرُضُونَ عَلَيْهَا غَدَاً وَعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ﴾ .  
[غافر ۴۶] .

[اینک آتش دوزخ را صبح و شام بر آنها عرضه می‌دارند، و چون روز قیامت شود خطاب آید که: فرعونیان را به سختترین عذاب جهنم وارد کنید] .

از ابن عمر رضی الله عنهما روایت است که رسول اکرم ﷺ فرمودند: «إِنَّ أَحَدَكُمْ إِذَا مَاتَ عُرِضَ عَلَيْهِ مَقْعَدُهُ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ، إِنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ، فَمِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ، وَإِنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ، فَمِنْ أَهْلِ النَّارِ، فَيَقَالُ: هَذَا مَقْعَدُكَ حَتَّى يَبْعَثَكَ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» . [متفق علیه] .

وقتی یکی از شما فوت کرد و دنیا را وداع گفت: هر

### قبر: عذاب و خوشی آن

صبح و شام جایگاهش بر او عرضه می‌شود، اگر از اهل بهشت است، پس از بهشتیان، و اگر از اهل دوزخ است، پس از دوزخیان بر او عرضه می‌شود، و به او گفته می‌شود: این جایگاه و مسکن تو است تا اینکه خداوند تو را روز قیامت حشر نماید .

۳۳ — شنیدن حیوانات صدای کسانیکه در قبرهایشان عذاب می‌بینند .

از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «إِنَّ الْمَوْتَى لِيُعَذَّبُونَ فِي قُبُورِهِمْ، حَتَّىٰ إِنَّ الْبَهَائِمَ لَتَسْمَعُ أَصْوَاتَهُمْ» . [صحيح الجامع ۱۹۶۱] .

مردگان در قبرهایشان عذاب داده می‌شوند، تا اینکه حیوانات از شدت عذاب صدای آنها را می‌شنوند .

۳۴ — قبر اولین منزل از منازل آخر است .

از هانی مولى عثمان بن عفان رضی الله عنه روایت است که: عثمان بن عفان وقتی بر قبر می‌ایستاد گریه می‌کرد، به اندازه ای که ریشش خیس می‌شد، به او گفته شد: تو را از بهشت و جهنم با خبر می‌کنند گریه نمی‌کنی! ولی از خبر قبر گریه می‌کنی؟ فرمود: شنیدم رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «القبر أول منزلة من منازل الآخرة، فإن نجا منه فما بعده أيسر منه، وإن لم ينج فما بعده أشد» .

قبر اولین منزل از منازل آخرت است، اگر انسان از آن نجات یافت بعد از آن آسانتر است، و اگر نجات نیافت بعد از

### قبر: عذاب و خوشی آن

آن شدیدتر است .  
و فرمود: شنیدم که ﷺ می‌فرماید: «ما رأیت منظراً قط، إلا والقبر أظع منه». [صحیح الترغیب والترهیب] .  
هرگز منظر وحشتناکی ندیدم، مگر اینکه قبر وحشتناکتر از آن است .

۳۵ — قبر کسانی که در معصیت افتاده اند پر از ظلمت و تاریکی می‌شود: رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: «إن هذه القبور ممتلئة على أهلها ظلمة، وإن الله ينورها لهم بصلاتي عليهم». [صحیح الترغیب والترهیب] .  
این قبرها بر کسانی که در آن خوابیده اند تاریک است و باری تعالی آنها بدعای من برای ایشان نورانی می‌کند .

۳۶ — افراد زنده توانائی شنیدن عذاب قبر را ندارند .  
رسول اکرم ﷺ فرمودند: «إن هذه الأمة تبتلى في قبورها، فلولا أن لا تدافنوا، لدعوت الله أن يسمعكم من عذاب القبر الذي أسمع منه». [مسلم وغيره] .  
این امت در قبورشان مبتلی می‌شوند، و اگر دفن نمی‌شدید دعا می‌کردم خداوند از عذابی که در قبر است و من آنها می‌شنوم، شما را از آن بشنواند .

۳۷ — خوردن از درخت بهشت قبل از روز قیامت، رسول اکرم ﷺ فرمودند: «إنما نسمة المؤمن طائر يعلق في شجر الجنة، حتى يبعثه الله إلى جسده يوم يبعثه». [صحیح الجامع ۲۳۶۹] .

### قبر: عذاب و خوشی آن

در حقیقت روح انسان مؤمن پرنده ای است که از درختان بهشت می‌خورد تا روز قیامت باری تعالی آنرا به جسدش برگرداند .

۳۸ — روح انسان مؤمن به وام و قرضی که به عهده اوست معلق است، رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: «نفس المؤمن معلقة بدینه حتی یقضی عنه». [الترمذی وصحیح الجامع ۶۶۵۵].

روح مؤمن به وام و قرضی که به عهده اوست معلق است، تا اینکه وام و قرض او پرداخت شود .

۳۹ — دعای فرشتگانی که در آسمان هستند برای بنده مؤمن، رسول اکرم ﷺ فرمودند: «إذا خرجت روح العبد المؤمن تلقاها ملکان یصعدان بها — فذکر من ریح طیبها — ویقول أهل السماء: روح طيبة، جاءت من قبل الأرض، صلی الله علیک، وعلی جسد کنت تعمینہ، فینطلق به إلى ربه، ثم یقول: انطلقوا به إلى آخر الأجل . وإن الکافر إذا خرجت روحه — فذکر من ننتها — ویقول أهل السماء: روح خبیثة جاءت من قبل الأرض، فیقال: انطلقوا به إلى آخر الأجل». [مسلم].

وقتی روح بنده مؤمن از جسدش خارج شد، دو فرشته آنرا گرفته به آسمان می‌برند، بعد آنحضرت از بوی خوب و خوش آن یاد کردند، و أهل آسمان، یعنی: فرشتگان می‌گویند: روح خوبی از طرف زمین آمده، و دعا می‌کنند و می‌گویند:

### قبر: عذاب و خوشی آن

درود خدا بر تو باد و بر جسدی که بر آن عمر کردی، و بطرف خدا برده می‌شود، پس باری تعالی می‌فرماید: آنرا به آخرین موعدی که دارد ببرید . و وقتی روح کافر از جسدش خارج می‌شود، و آنحضرت بوی بد آنرا یاد کردند و فرمودند: فرشته های آسمان می‌گویند: روح پلید و بدی از طرف زمین آمده، و گفته می‌شود: آنرا بطرف آخرین موعد او ببرید .

۴۰ — نورانی شدن قبر انسان مؤمن .

۴۱ — خواب انسان مؤمن در قبرش .

۴۲ — شوق مرده به بشارت اهل خود، رسول اکرم ﷺ فرمودند: «إِذَا قَبِرَ الْمَيِّتَ أَتَاهُ مَلَكَانِ أَسْوَدَانِ أَزْرَقَانِ، يُقَالُ لِأَحَدِهِمَا الْمُنْكَرُ وَلِلْآخَرِ النَّكِيرُ، فَيَقُولَانِ: مَا كُنْتَ تَقُولُ فِي هَذَا الرَّجُلِ؟ فَيَقُولُ: مَا كَانَ يَقُولُ هُوَ: عَبْدَ اللَّهِ وَرَسُولَهُ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، فَيَقُولَانِ: قَدْ كُنَّا نَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُولُ، ثُمَّ يَفْسَحُ لَهُ فِي قَبْرِهِ سَبْعُونَ ذِرَاعًا فِي سَبْعِينَ، ثُمَّ يَنُورُ لَهُ فِيهِ، ثُمَّ يُقَالُ: نَمَّ، فَيَقُولُ: أَرْجِعْ إِلَى أَهْلِي فَأَخْبِرْهُمْ، فَيَقُولَانِ: نَمَّ كَنُومَةَ الْعُرُوسِ الَّذِي لَا يُوقِظُهُ إِلَّا أَحَبُّ أَهْلِهِ إِلَيْهِ، حَتَّى يَبْعَثَهُ اللَّهُ مِنْ مَضْجَعِهِ ذَلِكَ، وَإِنْ كَانَ مُنَافِقًا قَالَ: سَمِعْتُ النَّاسَ يَقُولُونَ قَوْلًا، فَقُلْتُ مِثْلَهُ، لَا أَدْرِي، فَيَقُولَانِ: قَدْ كُنَّا نَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُولُ ذَلِكَ، فَيَقَالُ لِلْأَرْضِ: التَّسْمِي عَلَيْهِ، فَتَلْتَمِعُ عَلَيْهِ، فَتُخْتَلِفُ أَضْلَاعَهُ، فَلَا يَزَالُ فِيهَا مَعْذِبًا، حَتَّى يَبْعَثَهُ اللَّهُ مِنْ مَضْجَعِهِ ذَلِكَ» . [صحيح الجامع ۷۳۷] .

### قبر: عذاب و خوشی آن

وقتی مرده دفن شد دو فرشته سیاه رنگ که مشابه به آبی هستند، و یکی منکر و دیگری نکیر نام دارد به نزد میت می‌آیند، و به او می‌گویند: در مورد مردی که در بین شما مبعوث شد چه می‌گفتی؟ جواب می‌دهد: آنچه او می‌گفت: بنده خدا و فرستاده اوست، و گواهی می‌دهم که معبودی بحق جز خدای یکتا نیست، و گواهی می‌دهم که محمد بنده و فرستاده خداست، پس می‌گویند: ما می‌دانستیم که چنین خواهی گفت، سپس قبر او به طول هفتاد ذراع و عرض هفتاد ذراع وسعت پیدا می‌کند، و نورانی می‌شود، و به او گفته می‌شود: بخواب، جواب می‌دهد: برمی‌گردم به خانه ام و آنها را خبر می‌کنم، می‌گویند: بخواب همچنانکه عروس می‌خوابد و بیدار نمی‌شود بجز وقتی محبوبترین افراد خانواده او را از خواب بیدار می‌کند، تا اینکه باری تعالی او را روز قیامت حشر نماید.

و اگر منافق باشد می‌گوید: شنیدم مردم چیزی می‌گویند، من هم همچنان گفتم، نمی‌دانم چه نام دارد، پس دو فرشته می‌گویند: ما می‌دانستیم که چنین خواهی گفت، و به زمین گفته می‌شود: او را درهم بفشار، پس او را بهم می‌فشارد تا اینکه دنده های بدنش در هم شکسته شود، و همچنان عذاب می‌بیند تا اینکه باری تعالی او را روز قیامت حشر نماید.

۴۳ — قبر انسان مؤمن از گُلها و سبزیها تا روز قیامت پر

### قبر: عذاب و خوشی آن

می‌شود، رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: «إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا وُضِعَ فِي قَبْرِهِ وَتَوَلَّى عَنْهُ أَصْحَابُهُ، حَتَّى إِثْنَهُ يَسْمَعُ قَرَعَ نَعَالِهِمْ، أَتَاهُ مَلَكَانِ فَيَقْعِدَانِهِ، فَيَقُولَانِ لَهُ: مَا كُنْتَ تَقُولُ فِي هَذَا الرَّجُلِ؟ — مُحَمَّدٌ — فَأَمَّا الْمُؤْمِنُ فَيَقُولُ: أَشْهَدُ أَنَّ عَبْدَ اللَّهِ وَرَسُولَهُ، فَيَقَالُ: انْظُرْ إِلَى مَقْعَدِكَ مِنَ النَّارِ، قَدْ أَبْدَلَكِ اللَّهُ بِهِ مَقْعَدًا مِنَ الْجَنَّةِ، فَيَرَاهُمَا جَمِيعًا، وَيُفْسِحُ لَهُ فِي قَبْرِهِ سَبْعُونَ ذِرَاعًا وَبِمَلَأَ عَلَيْهِ خَضْرَاءَ إِلَى يَوْمِ يَبْعَثُونَ. وَأَمَّا الْكَافِرُ أَوْ الْمُنَافِقُ، فَيَقَالُ لَهُ: مَا كُنْتَ تَقُولُ فِي هَذَا الرَّجُلِ؟ فَيَقُولُ: لَا أَدْرِي، كُنْتُ أَقُولُ مَا يَقُولُ النَّاسُ، فَيَقَالُ لَهُ: لَا دَرِيْتَ وَلَا تَلَيْتَ، ثُمَّ يَضْرِبُ بِمِطْرَاقٍ مِنْ حَدِيدٍ ضَرْبَةً بَيْنَ أُذُنَيْهِ، فَيَصِيحُ صَيْحَةً يَسْمَعُهَا مَنْ يَلِيهِ غَيْرَ الثَّقَلَيْنِ، وَيَضِيقُ عَلَيْهِ قَبْرَهُ حَتَّى تَخْتَلِفَ أَضْلَاعُهُ». [متفق عليه].

وقتی که بنده خدا دفن شد و دوستانش از اطراف او دور شدند، و او صدای پای آنها را می‌شنود، دو فرشته نزد او می‌آیند و او را می‌نشانند و به او می‌گویند: در مورد این مرد چه می‌گفتی؟ — یعنی محمد ﷺ — پس اگر مؤمن باشد می‌گوید: گواهی می‌دهم که او بنده و فرستاده خداست، پس به او گفته می‌شود: نگاه کن بسوی جایگاهت که از جهنم است، و باری تعالی آنرا به جایگاه و مسکنی از بهشت تبدیل کرده، و همه آنرا می‌بیند، و قبر او هفتاد ذراع وسعت پیدا می‌کند، و از گلها و سبزیها تا روز قیامت پر می‌شود، و اما کافر و یا منافق به او گفته می‌شود: چه می‌گفتی در باره



### قبر: عذاب و خوشی آن

مردی که میان شما ظهور کرد؟ جواب می‌دهد: نمی‌دانم، آنچه مردم می‌گفتند، می‌گفتم، پس به او گفته می‌شود: ندانستی و نخواندی، سپس ضربتی با چکشی از آهن بین دو گوش او زده می‌شود و فریاد و نعره ای می‌کشد که بجز انس و جن سایر اطرافیانش آواز او را می‌شنوند، و قبر بر او تنگ می‌شود تا اینکه دنده هایش در هم شکسته شود .

۴۴ — جواب انسان مؤمن در قبر هدایتی از جانب باری تعالی است که به او داده می‌شود .

۴۵ — در قبر از میت بجز از عبادت و دین سؤال دیگری نمی‌شود .

رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا وَضِعَ فِي قَبْرِهِ أَتَاهُ مَلَكٌ فَيَقُولُ لَهُ: مَا كُنْتَ تَعْبُدُ؟ فَإِنَّ اللَّهَ هَدَاهُ قَالَ: كُنْتُ أَعْبُدُ اللَّهَ، فَيَقُولُ لَهُ: مَا كُنْتَ تَقُولُ فِي هَذَا الرَّجُلِ؟ فَيَقُولُ: هُوَ عَبْدُ اللَّهِ وَرَسُولُهُ، فَمَا يَسْأَلُ عَنْ شَيْءٍ غَيْرِهَا، فَيَنْطَلِقُ بِهِ إِلَى بَيْتِ كَانٍ فِي النَّارِ، فَيَقُولُ لَهُ: هَذَا بَيْتُكَ كَانٍ فِي النَّارِ، وَلَكِنَّ اللَّهَ عَصَمَكَ وَرَحِمَكَ، فَأَبْدَلَكَ بِهِ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ، فَيَقُولُ: دَعُونِي حَتَّى أَذْهَبَ فَأَبْشِرَ أَهْلِي، فَيَقَالُ لَهُ: أَسْكَنْ؛ وَإِنَّ الْكَافِرَ إِذَا وَضِعَ فِي قَبْرِهِ، أَتَاهُ مَلَكٌ فَيَنْتَهَرُهُ، فَيَقُولُ لَهُ: مَا كُنْتَ تَعْبُدُ؟ فَيَقُولُ: لَا أُرَدِي، فَيَقَالُ لَهُ: لَا دَرِيْتَ وَلَا تَلِيْتَ، فَيَقَالُ: فَمَا كُنْتَ تَقُولُ فِي هَذَا الرَّجُلِ؟ فَيَقُولُ: كُنْتُ أَقُولُ مَا تَقُولُ النَّاسُ، فَيَضْرِبُهُ بِمِطْرَاقٍ مِنْ حَدِيدٍ بَيْنَ أُذُنَيْهِ، فَيَصِيحُ صَيْحَةً يَسْمَعُهَا الْخَلْقُ غَيْرَ الثَّقَلَيْنِ». [أبوداود، وصحيح الجامع

## قبر: عذاب و خوشی آن

[۱۹۲۶].

وقتی بنده مؤمن دفن شد فرشته ای بر او وارد می‌شود و به او می‌گوید: چه چیزی را عبادت می‌کردی؟ پس اگر خدا او را هدایت کرده می‌گوید: خداوند را می‌پرستیدم، و به او می‌گوید: در مورد مردی که میان شما ظهور کرد چه می‌گفتی؟ جواب می‌دهد: او بنده خدا و فرستاده اوست، پس از او چیز دیگری سؤال نمی‌شود، و او بطرف خانه ای که در جهنم است برده می‌شود، و به او گفته می‌شود: این خانه تو است، ولکن باری تعالی بر تو رحم کرده و تو را از آن نجات داده، و آنرا به خانه ای در بهشت تبدیل کرده است، پس مرده می‌گوید: بگذارید به خانه ام رفته آنها را با خبر کنم، پس به او گفته می‌شود: اینجا مسکن بگیر.

وقتی کافر در قبر دفن شد، فرشته ای بر او وارد شده و او را توبیخ می‌کند و به او می‌گوید: چه کسی را عبادت می‌کردی؟ جواب می‌دهد: نمی‌دانم، پس به او گفته می‌شود: ندانستی و نخواندی، و به او گفته می‌شود: در مورد مردی که میان شما ظهور کرد چه می‌گفتی؟ جواب می‌دهد: می‌گفتم آنچه مردم می‌گفتند، پس به او با چکش آهنی بین دو گوشش ضربه ای می‌زنند، و فریاد و نعره ای می‌کشد که تمامی خلق بجز انس و جن صدای او را می‌شنوند.

۴۶ — آنچه روی زمین می‌گذرد مردگان نمی‌شنوند، باری تعالی می‌فرماید: ﴿فَأِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَى وَلَا تَسْمَعُ الصَّم

قبر: عذاب و خوشی آن

الدعاء إذا ولّوا مدبرين». [الروم ۵۲].  
[شما نمی‌توانید مردگان را بشنوید، همانطوری‌که انسان کر  
را نمی‌توانید بشنوید هنگامیکه این کرها پشت خود را  
بسوی شما بگردانند، مگر اینکه خداوند بخواهد].  
۴۷ — کفاری که در جنگ بدر کشته شدند و در چاه  
انداخته شدند سخن پیامبر ﷺ را شنیدند، اما توانایی جواب  
دادن را نداشتند.

در بخاری به ثبوت رسیده است که رسول خدا ﷺ کنار  
اهل چاه ایستادند و فرمودند «وجدتم ما وعدكم ربكم حقا؟  
فقیل له: تدعو أمواتا؟ فقال: ما أنتم بأسمع منهم ولكن لا  
یحییون». [البخاری].

آیا آنچه پروردگار شما به شما وعده داده بود حقیقت  
یافتید؟ بعضی از یاران گفتند: آیا مردگان را صدا می‌زنی؟  
رسول خدا ﷺ فرمود: شما بهتر از آنها نمی‌شنوید، ولی آنها  
نمی‌توانند جواب بدهند.

۴۸ — اشتیاق صحابه و یاران در برزخ، آنهاییکه در راه  
خدا شهید شدند، به برادرانشان که زنده اند، تا اینکه آنها را  
از کرامتی که برای شهداء آماده شده با خبر سازند، رسول  
اکرم ﷺ به یاران خود فرمودند: «لما أصيب إخوانكم بأحد،  
جعل الله أرواحهم في جوف طير خضر، ترد أثمار الجنة، تأكل  
من ثمارها، وتأوي إلى قناديل من ذهب، معلقة في ظل العرش،  
فلما وجدوا طيب ما كلهم ومشرهم ومقيلهم، قالوا: من يبلغ

قبر: عذاب و خوشی آن

إخواننا عنا أننا أحياء في الجنة نرزق، لئلا يزهّدوا في الجهاد، ولا يئكلوا عند الحرب؟ فقال الله تعالى: أنا أبلغهم عنكم». [أحمد وأبوداود، والحاكم، وصحيح الجامع ٥٠٨١].

وقتی برادران شما در عزوه أُحُد شهید شدند باری تعالی ارواحشان را در داخل پرندگان سبز رنگ که در بهشت هستند داخل کرد، و این پرندگان به رودهای بهشت آمده و از میوه های آن می‌خورند و بطرف فانوس و شمعدانی از طلا که به ظل و سایه عرش خدا معلق است باز می‌گردند، و وقتی لذت خوردن و آشامیدن و خوابیدن را احساس کردند، گفتند: چه کسی برادرانمان را با خبر می‌سازد از ما که در بهشت زنده هستیم، و رزق و روزیمان به ما می‌رسد، تا اینکه از جهاد در راه خدا چشم پوشی نکنند و دست نکشند، و از جنگ ناراحت نشوند، باری تعالی فرمود: من آنها را از شما با خبر می‌کنم.

فصل چهارم:  
عذاب جسمانی که گناهکاران در قبرشان می‌بینند

قبر: عذاب و خوشی آن

عن سمرة بن جندب رضي الله عنه قال: كان رسول الله ﷺ مما يكثر أن يقول لأصحابه: هل رأى أحدٌ منكم من رؤيا؟ فيقص عليه من شاء الله أن يقص، وأنه قال لنا ذات غداة: إنه أتاني الليلة آتيا، وإنيهما قالا لي: انطلق، وإني انطلقتُ معهما، وإنا أتينا على رجل مضطجع، وإذا آخر قائم عليه بصخرة، وإذا هو يهوي بالصخرة لرأسه، فيثلغ رأسه، فيتدهده الحجر هاهنا، فيتبع الحجر فيأخذه، فلا يرجع إليه حتى يصح رأسه كما كان، ثم يعود عليه فيفعل به مثل ما فعل المرة الأولى، قال: قلت لهما: سبحان الله! ما هذان؟ قالا لي: انطلق انطلق، فانطلقنا فأتينا على رجل مستلق لقفاه، وإذا آخر قائم عليه بكلوب من حديد، وإذا هو يأتي أحد شقي وجهه، فيشرشش شدقه إلى قفاه، ومنخره إلى قفاه، وعينه إلى قفاه، ثم يتحول إلى الجانب الآخر فيفعل به مثل ما فعل بالجانب الأول، فما يفرغ من ذلك الجانب حتى يصح ذلك الجانب كما كان، ثم يعود عليه، فيفعل مثل ما فعل في المرة الأولى، قال: قلت: سبحان الله! ما هذان؟ قال: قالا لي: انطلق انطلق، فانطلقنا فأتينا على مثل التبور، فأحسب أنه قال: فإذا فيه لغط وأصوات، فاطلنا فيه فإذا فيه رجال ونساء عراة، وإذا هم يأتيهم هب من أسفل منهم، فإذا أتاهم ذلك اللهب ضوضوا، قلت: ما هؤلاء؟ قالا لي: انطلق انطلق، فانطلقنا فأتينا على نهر حسبتُ أنه كان يقول: أحمر مثل الدم، وإذا في النهر رجل

قبر: عذاب و خوشی آن

سباح یسبح، وإذا علی شط التهر رجل قد جمع عنده حجارة كثيرة، وإذا ذلك السباح یسبح ما یسبح ثم یأتي ذلك الذي قد جمع عنده الحجارة، فیفغر له فاه فیلقمه حجراً، فینطلق فیسبح، ثم یرجع إليه، كلما رجع إليه فغر له فاه فألقمه حجراً، قلتُ لهما: ما هذان؟ قالاً لی: انطلق انطلق، فانطلقنا فأتینا علی رجل کریه المرآة، أو كأکره ما أنت راء رجلاً مرأى، فإذا هو عنده نار یحشها ویسعی حولها، قلتُ لهما: ما هذا؟ قالاً لی: انطلق انطلق، فانطلقنا فأتینا علی روضة معتمة فیها من کل نور الربیع، وإذا بین ظهري الروضة رجل طویل، لا أكاد أرى رأسه طولاً فی السماء، وإذا حول الرجل من أكثر ولدان، ما رأیتهم قط، قلتُ: ما هذا؟ وما هؤلاء؟ قالاً لی: انطلق انطلق، فانطلقنا فأتینا إلى روضة عظيمة لم أر دوحة قط أعظم منها ولا أحسن، قالاً لی: ارق فیها، فارتقینا فیها إلى مدينة مبنی بلین ذهب ولبن فضة، فأتینا باب المدينة فاستفتحنا، ففتح لنا فدخلناها، فلتنقانا رجال شطر من خلقتهم كأحسن ما أنت راء، وشطر منهم كأقبح ما أنت راء، قالاً لهم: اذهبوا فقعوا فی ذلك التهر، وإذا هو نمر معترض یجری كأن ماءه المحض فی البیاض، فذهبوا فوقعوا فیهِ، ثم رجعوا إلینا قد ذهب ذلك السوء عنهم، فصاروا فی أحسن صورة، قال: قالاً لی: هذه جنة عدن، وهاك منزلک، فسما بصري صعدا، فإذا قصر مثل الربابة البیضاء، قالاً لی: هذاك منزلک، قلتُ لهما: بارک الله فیكما، فذرا بی فأدخله، قالاً:

قبر: عذاب و خوشى آن

أما الآن فلا، وأنت داخله، قلتُ لهما: فإني رأيتُ منذ الليلة عجباً! فما هذا الذي رأيتُ؟ قالوا لي: أما إنا سنخبرك: أما الرجل الأول الذي أتيتَ عليه يثلغ رأسه بالحجر، فإنه الرجل يأخذ القرآن فيرفضه، وينام عن الصلاة المكتوبة، وأما الرجل الذي أتيتَ عليه يشرشر شدقه إلى قفاه، ومنخره إلى قفاه، وعينه إلى قفاه، فإنه الرجل يغدو من بيته فيكذب الكذبة تبلغ الآفاق، وأما الرجال والنساء العراة الذين هم في مثل بناء التنور، فإنهم الزناة والزواني، وأما الرجل الذي أتيتَ عليه يسبح في النهار ويلقم الحجارة فإنه آكل الربا، وأما الرجل الكريه المرأة الذي عند النار يحشها ويسعى حولها، فإنه مالك خازن جهنم، وأما الرجل الطويل الذي في الروضة، فإنه إبراهيم، وأما الولدان الذين حولهم، فكل مولود مات على الفطرة» .

وفي رواية البرقاني: «ولد على الفطرة»، فقال بعض المسلمين: يا رسول الله: وأولاد المشركين؟ فقال رسول الله ﷺ: وأولاد المشركين، وأما القوم الذين كانوا شطراً منهم حسن وشر منهم قبيح، فإنهم قوم خلطوا عملاً صالحاً وآخر سيئاً تجاوز الله عنهم» . [البخاري] .

وفي رواية له: «رأيت الليلة رجلين أتياي فأخرجاني إلى أرض المقدسة، ثم ذكره وقال: فانطلقنا إلي نقب مثل التنور، أعلاه ضيق وأسفله واسع، يتوقد تحته نارا، فإذا ارتفعت ارتفعوا حتى كادوا أن يخرجوا، وإذا همدت رجعوا فيها،

قبر: عذاب و خوشی آن

وفیها رجال ونساء عراة، وفیها: حتی أتینا علی نهر من دم — ولم یشک — فیہ رجل قائم علی وسط النهر، وعلی شط النهر رجل، وبن یدیه حجارة، فأقبل الرجل الذی فی النهر، فإذا أراد أن یمخرج رمی الرجل بحجر فی فیہ، فردّه حیث کان، فجعل کلما جاء لیخرج جعل یرمی فی فیہ بحجر، فیرجع کما کان، وفیها: فصعدا بی الشجرة فأدخلانی دارا لم أر قط أحسن منها، فیها رجال شیوخ وشباب، وفیها: الذی رأیته یشق شدقه فكذاب یحدث بالكذبة، فتحمل عنه حتی تبلغ الآفاق، فیفعل به إلى یوم القيامة، وفیها: الذی رأیته یشدخ رأسه فرجل علمه الله القرآن، فنام عنه باللیل، ولم یعمل فیہ بالنهار، فیفعل به إلى یوم القيامة، والدار الأولى التي دخلت، دار عامّة المؤمنین، وأما هذه الدار فدار الشهداء، وأنا جبریل، وهذا میکائیل، فارفع رأسک، فرفعت رأسی فإذا فوقی مثل السحاب، قالوا: ذاك منزلک، قلت: دعانی أدخل منزلی، قالوا: إنه بقی لك عمر لم تستکمله، فلو استکملته أتیت منزلک». [البخاری نقل عن ریاض الصالحین، باب تحريم الكذب].

از سمرة بن جندب رضی اللہ عنہ روایت است کہ رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم زیاد از اصحاب و یاران می پرسیدند: آیا یکی از شما خواب و خیالی را در وقت خوابیدن ندیده؟ پس هر کس خواست آنچه در خواب دیده برایش حکایت کند، و یکی از روزها به ما گفت: دیشب دو نفر بر من وارد شدند و به من گفتند: با ما



### قبر: عذاب و خوشی آن

بیا، من هم با آنها رفتم، تا اینکه بر مردی که خوابیده وارد شدیم، و مرد دیگری تخته سنگی را در دست دارد و بطرف سرش پرتاب کرده سرش را شکسته و زخمی می‌کند، و تخته سنگ می‌غلطد و از او دور می‌شود، وی دنبال آن رفته، تخته سنگ را می‌گیرد، و وقتی بطرف آن مرد باز می‌گردد زخم و شکستگی او خوب شده و به صورت اولش باز می‌گردد، پس بار دیگر تخته سنگ را بطرف سر مرد پرتاب کرده و مرد را شکسته و زخمی می‌کند، فرمود: به آنها گفتم: سبحان الله! این دو چه کسی هستند؟ جواب دادند: با ما بیا، با ما بیا، پس با آنها رفتم تا اینکه بر مردی آمدیم که با پشت خود خوابیده و مرد دیگری با قلاب آهنی بر سر او ایستاده و طرفی از صورت، و بینی، و چشم او را با آن قلاب آهنی بطرف زمین می‌کشد، سپس بطرف دوم می‌رود و آنرا نیز به همین حالت بطرف زمین می‌کشد، و هنوز طرف دوم را بطرف زمین نکشیده که می‌بیند طرف اول از آن زخمها خوب شده، و همین کار را انجام می‌دهد، فرمود: گفتم: سبحان الله! اینها چه کسانی هستند؟ گفتند: با ما بیا، با ما بیا، پس با آنها رفتم تا اینکه به جایی مثل تنور رسیدیم — راوی حدیث می‌گوید — فکر می‌کنم گفتم: پس دیدم که صدای غوغائی از تنور برپاست، وقتی داخل آن نگاه کردیم دیدم مردان و زنانی لخت و برهنه از لباس در آن هستند، و شعله آتش از پایین آنها زبانه می‌کشد، و وقتی آتش به آنها

### قبر: عذاب و خوشی آن

می‌رسد فریاد و نعره می‌کشند، گفتم: اینها چه کسانی هستند؟ گفتند: با ما بیا، با ما بیا، پس با آنها رفتم تا اینکه به رودخانه ای رسیدیم — راوی حدیث می‌گوید — فکر کنم فرمود: رودخانه همانند خون سرخ بود، و مردی را دیدم که در رودخانه شنا می‌کند، و بر ساحل آن مرد دیگری است که نزد خود سنگلاخهای زیادی جمع کرده، و آن مردی که در رودخانه شنا می‌کند بعد از شنا بطرف مردی که بر ساحل آن است می‌آید و مرد شناگر دهان خود را بطرف مردیکه در ساحل است باز کرده و آن مرد سنگی در دهانش می‌اندازد، و مرد شناگر برگشته به شنای خود ادامه می‌دهد، سپس بار دیگر بطرف ساحل برمی‌گردد و دهانش را باز می‌کند و مرد دومی سنگی را در دهانش می‌اندازد، و همین کار را ادامه می‌دهد، پس گفتم: اینها چه کسانی هستند؟ گفتند: با ما بیا، با ما بیا، پس با آنها رفتم تا اینکه به مردی زشت و بد منظر مانند زشت‌ترین مردی که پیدا شود رسیدیم، و نزد او آتشی بود که آنرا روشن می‌کرد و دور آن می‌گشت، به آنها گفتم: این مرد چه کسی است؟ گفتند: با ما بیا، با ما بیا، پس با آنها رفتم تا اینکه به بستان پر از درخت رسیدیم که در آن از تمامی گُلها بهاری وجود دارد، و در بین این بستان مردی است بلند قامت، و از بلندی او سرش در آسمان پیدا نمی‌شود، و گرداگرد او بچه‌های خیلی زیادی هستند که از زیادی این بچه‌ها همچنین ندیده‌ام، گفتم: این مرد چه

### قبر: عذاب و خوشی آن

کسی است؟ و این بچه ها چه کسانی هستند؟ گفتند: با ما بیا، با ما بیا، پس با آنها رفتم تا اینکه به بوستانی بزرگ که در آن درختانی خیلی بلندی بود رسیدیم، چنین درختهای بلند و زیبایی ندیده بودم، به من گفتند: بالای بوستان برو، پس رفتم بالا به شهری رسیدیم که با خشتهای طلا و نقره ساخته شده بود، و به این شهر آمدیم و در آنرا زدیم، در باز شد و داخل شدیم و دیدیم مردانی هستند که نیمی او بدنشان مانند بهترین چیزی که دیدی، و نیمی دیگر مانند بدترین و زشتترین چیزی که تو دیدی، به آن مردها گفتند: بروید خود را در آن رود بیاندازید، و رودی دیدم دراز و جاری، و آب آن همانند شیر سفید بود، پس رفتند و خود را در آن رود انداختند، و وقتی برگشتند آن بدی و زشتی از آنها رفته و به شکل خیلی خوشگل و زیبا در آمده بودند .

فرمود: به من گفتند: این بهشت و جنات عدن است، و آهم منزل و خانه تو است، پس چشمم را بلند کردم قصری را همانند ابرهای سفید دیدم، به من گفتند: این منزل و خانه تو است، فرمود: به آنها گفتم: باریک الله فیکما (خدا شما را برکت دهد) بگذارید داخل آن شوم، گفتند: اما الآن نه، ولی روز قیامت در آن داخل خواهی شد، فرمود: به آنها گفتم حقیقتا که دیشب چیزهای عجیبی را دیدم، پس آن چه بود که دیدم؟ گفتند: از آنها تو را با خبر خواهیم کرد .  
اما مرد اولی که بر آن وارد شدی و یکی سرش را با

### قبر: عذاب و خوشی آن

سنگ می‌شکست، او مردی است که قرآن را گرفته و حفظ کرده ولی قبول نمی‌کند و آن را مرفوض و مردود می‌داند، و از نمازهای پنجگانه می‌خواهد و آنرا بجا نمی‌آورد.

و مردی که بر او وارد شدی و مرد دیگری طرف صورت، و بینی، و چشمش را با قلاب آهنی بطرف زمین می‌کشید او مردی است که وقتی از خانه اش بیرون می‌رود دروغ می‌گوید و این دروغش به افق، یعنی: به همه جا می‌رسد، ولی مردان و زنانیکه در تنور برهنه و لخت بودند آنها زناکاران و بی‌عفتان هستند، و مردی که شنا می‌کرد و دیگری سنگی در دهانش می‌انداخت او کسی است که ربا و سود حرام می‌خورد، و مرد زشت و بد منظر که آتش روشن می‌کرد و اطراف آن می‌گشت، او مالک خازن و خزانه دار جهنم است، و مرد بلند قامت که در بوستان دیدی او ابراهیم علیه السلام است، و بچه‌ها که دور او جمع بودند، هر بچه‌ای که بر فطرت الهی از دنیا می‌رود، — در روایت دیگر — هر بچه و مولودی که بر فطرت الهی بدنیا آمده، بعضی از مسلمانان از رسول الله صلی الله علیه و آله پرسیدند: بر اولاد مشرکین چه می‌شود؟ فرمود: همچنین اولاد مشرکین که بر فطرت از دنیا می‌روند با آنها خواهند بود.

و اما کسانی که نیمی از آنها خوب و نیمی دیگر زشت بودند، آنها کسانی هستند که عمل صالح و نیک را با عمل بد با هم مخلوط کرده اند و باری‌تعالی از آنها تجاوز و عفو

### قبر: عذاب و خوشی آن

فرمودند .

و در روایت دیگر است: پس به جایی که مانند تنور بود رسیدیم، که بالای آن تنگ و پایین آن وسیع بود، و زیر آن آتش برپا بود، وقتی آتش زبانه کشیده و بالا آمد آنهاییکه در آن هستند همراه شعله آتش بالا می‌آیند تا اینکه نزدیک است از آن خارج شوند، و وقتی شعله آن پایین رفت همراه آن به پایین می‌روند، و در آن مردان و زنان لخت و برهنه هستند .  
و در روایت دیگر آمده که: تا اینکه بر رودی از خون رسیدیم — در اینجا راوی حدیث شك نکرد — و مردی در وسط رود ایستاده، و بر ساحل رود مرد دیگری است و سنگلاخهای زیادی نزد اوست، و وقتی مردی که در داخل رود است خواست بیرون رود او سنگ در دهانش پرتاب می‌کند و نمی‌گذارد از رود خارج شود و آن مرد برمی‌گردد و به شنای خود ادامه می‌دهد، و همین کار را همچنان انجام می‌دهد .

و در روایت دیگر است که: مرا به بالای درختی بردند و داخل خانه ای کردند، چنین خانه ای از خوبی آن ندیده بودم، و در آن مردان پیر و جوان بودند .

و در روایت دیگر است: آنکه دیدم صورتش را بطرف زمین می‌کشند فرد دروغگو است که دروغ می‌گوید و دروغ او به آفاق می‌رسد، و تا روز قیامت با او چنین رفتار می‌شود .

### قبر: عذاب و خوشی آن

و در روایت دیگر: آن مردی که سرش می‌شکست کسی است که خداوند به او قرآن یاد داده و او از نماز سنت شب خوابیده، و در روز به آن قرآن عمل نکرده است .  
و خانهٔ اولی که داخل شدی خانهٔ تمامی مؤمنان است، و اما خانهٔ دومی خانهٔ شهداء است، و من جبریل هستم و این که همراه من است میکائیل است، و سرت را بلند کن، سرم را بلند کردم بالای سرم همانند ابری را دیدم، گفتند آن منزل تو است، گفتم: بگذارید داخل منزلم شوم، گفتند: هنوز عمر تو باقی است، وقتی عمرت پایان رسید داخل آن خواهی شد .

#### فصل پنجم:

از گناهی که گناهکاران در قبرشان بخاطر آن عذاب می‌بینند

۱ — عذاب کسیکه قرآن را حفظ کرده و بعد آنرا

### قبر: عذاب و خوشی آن

مردود دانسته و قبول نمی‌کند، و خوابیدن از نمازهای فرض پنجگانه: که قبلاً آنرا در حدیث سمره بن جندب در ص ( ) و ترجمه آن در ص ( ) ذکر کردیم که در حدیث آمده بود: ما بر مردی وارد شدیم که خوابیده بود و دیگری با تخته سنگی بالای سر او ایستاده است، و آن تخته سنگ را بطرف سر آن مردی که خوابیده پرتاب می‌کند و سرش را می‌شکند، و سنگ غلطیده به کناری می‌افتد و مرد دومی بطرف تخته سنگ رفته و آنرا گرفته برمی‌گردد و وقتی برگشت سر مرد اولی از زخم و شکستگی خوب شده است، و همچنین این کار را انجام می‌دهد، سپس در آخر حدیث فرشتگان اینرا به رسول الله ﷺ گفتند که: او شخصی است که قرآن را گرفته و حفظ کرده سپس آنرا قبول نمی‌کند، و هنگام نمازهای فرض و پنجگانه می‌خوابد — و در روایتی است که: این عمل تا روز قیامت با او انجام می‌شود .

۲ — عذاب دروغگو:

در حدیث سمره بن جندب رضی الله عنه آمده که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: رفتیم تا اینکه به مردی رسیدیم که به پشت خوابیده و دیگری بالای سرش ایستاده و قلاب آهنی در دست داشت، و با آن قلاب طرفی از صورت، و بینی، و چشم آن مرد را بطرف زمین می‌کشد، سپس بطرف دوم او رفته و همین کار را انجام می‌دهد، و هنوز از طرف دوم او تمام نشده که طرف اول او خوب می‌شود، و همین کار را تکرار می‌کند، و در

### قبر: عذاب و خوشی آن

آخر حدیث آمد که: این شخص دروغگو است که وقتی از خانه اش بیرون می‌رود دروغ می‌گوید و آن دروغ به آفاق دنیا می‌رسد، — و در روایتی است — که این عمل تا روز قیامت با او انجام می‌شود .

۳ — عذاب مردان و زنان زناکار و بی‌عفت:

در حدیث سابق آمده که رسول اکرم ﷺ فرمودند: رفتیم تا اینکه به چیزی مانند تنور و کوره آتشی رسیدیم، و از آن صدای غوغائی می‌آمد، و وقتی در آن نگاه کردیم زنان و مردان لخت و برهنه را دیدیم که از پایین آنها آتش زبانه می‌کشید، و وقتی آتش به آنها رسید نعره و فریاد می‌کشید، و در آخر حدیث آمده که: اینها مردان و زنان زناکار و بی‌عفت هستند .

۴ — عذاب زباخواری و سود حرام:

همچنین در حدیث سابق ذکر شد که رسول اکرم ﷺ فرمودند: رفتیم تا اینکه به رودخانه ای رسیدیم، راوی حدیث می‌گوید: فکر کنم فرمود: رنگ آن همانند خون سرخ بود، و در آن رودخانه شناگری بود که شنا می‌کرد، و بر ساحل آن رود مرد دیگری بود که سنگلاخهای زیادی نزد خود جمع کرده و آن شناگر شنا کرده سپس بطرف ساحل آمده، و آن مرد دومی سنگی در دهان او پرتاب می‌کند، سپس برگشته و شنا می‌کند، و این عمل را تکرار می‌کند، و در آخر حدیث آمد که این شخصی است که ربا و سود حرام می‌خورد .



### قبر: عذاب و خوشی آن

۵ — عذاب کسیکه ادرار و پیشاب خود را تمیز و پاک نمی‌کند .

رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: «عامّة عذاب القبر من البول». [النسائي وصحيح الجامع ۱۸۹۳] .

بیشتر عذاب قبر از ادرار و شاش انسان است، یعنی: کسیکه ادرار و شاش خود را تمیز نمی‌کند .

۶ — زیاد شدن عذاب کافر در قبرش با گریه کردن خانواده و خویشاوندان برای او .

رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: «إنّ الله يزيد الكافر عذاباً ببعض بكاء أهله عليه». [متفق عليه] .

وقتی اهل و خویشان کافر برای او گریه می‌کنند خداوند عذاب کافر را می‌افزاید .

۷ — مرده در قبر بسبب گریه و زاری و شیون صدای بلند عذاب داده می‌شود .

رسول اکرم ﷺ فرمودند: «الميت يعذب في قبره بما نحي عليه». [مسند الفردوس، صحيح الجامع ۱۲۱۸] .

مرده بسبب گریه و زاری و شیون بلند در قبرش عذاب داده می‌شود . [ولی اگر شخص مرده در زندگی خود وصیت کرد که برای او گریه و زاری نکنند، عذاب نخواهد دید، — والله أعلم — مراجعه شود به کتاب (أحكام الجنائز) نوشته الشيخ الألباني ص ۲۸ — ۲۹] .

۸ — مرده در قبر بسبب بعضی از کلماتی که خانواده اش

### قبر: عذاب و خوشی آن

در باره او می‌گویند عذاب داده می‌شود .  
رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: «ما من میت يموت فيقوم باكيهم فيقول: واجبله، واسنده، أو نحو هذا إلا وكل به ملكان يلهزانه: أهكذا كنت». [الترمذي، صحيح الجامع ٥٦٦٤، صحيح الترغيب والترهيب] .

هیچ مرده ای فوت نمی‌کند و خانواده و کسانی که برایش گریه می‌کنند و می‌گویند: وای بر این کوه بزرگ که از بین ما رفت، وای بر این مردی که همانند ندارد، مگر اینکه باری تعالی دو فرشته بر او موکل و مسلط می‌کند و او را تکان و حرکت می‌دهند و اذیت می‌کنند و می‌گویند: آیا تو چنین بودی؟

۹ — عذاب کسیکه سخن چینی می‌کند .  
از عبدالله بن عباس رضي الله عنهما روایت است که رسول اکرم ﷺ از کنار دو قبر گذشتند و فرمودند: «إِنَّهُمَا يعذبان، وما يعذبان في كبير، بلى إِنَّه كبير، أما أحدهما فكان يمشي بالنميمة، وأما الآخر فكان لا يستتر من بوله». [متفق عليه] .

صاحب این دو قبر عذاب می‌بینند، ولی سبب عذابشان چیز بزرگی نیست، بلی بزرگ است، اما یکی از آنها سخن چینی می‌کرد، و دیگری خود را از ادرار و پیشاب تمیز نمی‌کرد .

قبر: عذاب و خوشی آن

---

فصل ششم  
پیامبران علیهم السلام و زندگی برزخ

۱ — خداوند فرشته ای نزد قبر پیامبر ﷺ و کیل قرار داده است تا رسول اکرم ﷺ را خبر دهد که چه کسی بر او درود می‌فرستد، و نام شخصی را که بر پیامبر خدا ﷺ درود

## قبر: عذاب و خوشی آن

می‌فرستد ذکر کند .

رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: «أكثرُوا الصلاة عليّ، فإنَّ الله وكل بي ملكاً عند قبري، فإذا صلى عليّ رجل من أمتي، قال لي ذلك الملك: يا محمد إن فلان بن فلان صلى عليك الساعة». [مسند الفردوس، صحيح الجامع ١٢١٨].

بسیار و خیلی زیاد بر من درود و صلوات بفرستید، چون خداوند متعال فرشته ای را نزد قبر من معین کرده، وقتی یکی از مردان امت من بر من درود و صلوات فرستاد آن فرشته به من می‌گوید: ای محمد فلانی فرزند فلانی در این ساعت بر تو درود و صلوات فرستاد .

و همچنین می‌فرماید: «أكثرُوا الصلاة عليّ في يوم الجمعة، فإنه ليس يصلي عليّ أحد يوم الجمعة إلا عرضت عليّ صلواته». [صحيح الجامع ١٢١٩].

روز جمعه بر من درود بسیار بفرستید، زیرا هر کس در روز جمعه بر من درود بفرستد، درود او بر من عرضه می‌شود.

٢ — زمین اجساد انبیاء و پیامبران را نمی‌خورد .

رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: «إن أفضل أيامكم يوم الجمعة، فيه خلق آدم، وفيه قبض، وفيه النفخة، وفيه الصعقة، فأكثرُوا عليّ من الصلاة فيه، فإن صلواتكم معروضة عليّ، إن الله حرّم على الأرض أن تأكل أجساد الأنبياء». [أبوداود، وابن ماجه، وصحيح الجامع ٢٢٠٨].

### قبر: عذاب و خوشی آن

بهترین روزهای شما روز جمعه است، در آن روز خداوند آدم عليه السلام را آفرید، و در روز جمعه فوت کرد، و در روز جمعه فرشته در بوق (شیپور) می‌دمد، و در این روز صعقه، یعنی: مردن تمامی انسانها خواهد بود، پس در این روز بر من درود و صلواتی بسیار بفرستید، چون درود و صلوات شما بر من عرضه خواهد شد، و خداوند متعال خوردن جسد انبیاء را بر زمین حرام کرده است .

۳ — پیامبران در قبرهایشان زنده هستند .

۴ — نماز پیامبران علیهم السلام در قبرهایشان .

رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: «الأنبياء أحياء في قبورهم يصلون» . [صحیح الجامع ۲۷۸۷] .

پیامبران در قبرهایشان زنده هستند و نماز می‌خوانند .  
و فرمودند: «مررت ليلة أُسري بي على موسى قائماً يصلي في قبره» . [مسلم وغيره] .

شب اسراء از کنار حضرت موسی گذشتم او در قبرش ایستاده بود و نماز می‌خواند .

ملاقات رسول اکرم ﷺ با آدم و یحیی و عیسی و یوسف و ادریس و هارون و موسی و ابراهیم علیهم السلام .  
گریه کردن موسی عليه السلام در برزخ بخاطر اینکه محمد ﷺ از او بهتر است و بر او برتری دارد .

نصیحت حضرت موسی عليه السلام به رسول الله ﷺ تا اینکه از خداوند در نمازهایی که بر بندگان خود فرض کرده است

## قبر: عذاب و خوشی آن

تخفیف بطلبد .

[زیرا نمازهای پنجگانه، پنجاه رکعت بود که خداوند متعال با درخواست رسول اکرم ﷺ آنرا به هیفده رکعت در هر شبانه روز تخفیف داد، ولی ثواب آن همان پنجاه رکعت می‌باشد].

عن مالك بن صعصعة رضي الله عنه عن رسول الله ﷺ أنه قال: «بينما أنا في الحطيم مضطجعا، إذ أتاني آتٍ فقد ما بين هذه إلى هذه فاستخرج قلبي، ثم أتيت بطستٍ من ذهبٍ مملوءة إيمانا، فغسل قلبي بماء زمزم، ثم حشي، ثم أعيد، ثم أتيت بدابة دون البغل وفوق الحمار أبيض، يقال له البراق، يضع خطوة عند أقصى طرفه، فحُملتُ عليه، فانطلق بي جبريل حتى أتى السماء الدنيا، فاستفتح، قيل: من هذا؟ قال: جبريل، قيل: ومن معك؟ قال: محمد، قيل: وقد أرسل إليه؟ قال: نعم، قيل: مرحبا به، فنعم المجيء جاء، ففتح، فلما خلصتُ فإذا فيها آدم، فقال: هذا أبوك آدم، فسلم عليه، فسلمتُ عليه، فردَّ السلام، ثم قال: مرحبا بالنبي الصالح، والابن الصالح . ثم صعد بي حتى أتى السماء الثانية، فاستفتح، فقيل: من هذا؟ قال: جبريل، قيل: ومن معك؟ قال: محمد، قيل: وقد أرسل إليه؟ قال: نعم، قيل: مرحبا به، فنعم المجيء جاء ففتح، فلما خلصتُ إذا يحيى وعيسى، وهما أبناء الخالة، قال: هذا يحيى وعيسى، فسلم عليهما، فسلمتُ، فردّا، ثم قالوا: مرحبا بالأخ الصالح، والنبي الصالح .

قبر: عذاب و خوشی آن

ثم صعد بي إلى السماء الثالثة، فاستفتح، قيل: من هذا؟ قال: جبريل، قيل: ومن معك؟ قال: محمد، قيل: وقد أرسل إليه؟ قال: نعم، قيل: مرحباً به، فنعم الجيء جاء، ففتح، فلما خلصت إذا بيوسف، قال: هذا يوسف، فسلم عليه، فسلمت عليه، فردّ، ثم قال: مرحباً بالأخ الصالح، والنبي الصالح .

ثم صعد بي حتى أتى السماء الرابعة، فاستفتح، قيل: من هذا؟ قال: جبريل، قيل: ومن معك، قال: محمد، قيل: وقد أرسل إليه؟ قال: نعم، قيل: مرحباً به، فنعم الجيء جاء، ففتح، فلما خلصت إذا إدريس، قال: هذا إدريس، فسلم عليه، فسلمت، فردّ، ثم قال: مرحباً بالأخ الصالح، والنبي الصالح .

ثم صعد بي السماء الخامسة، فاستفتح، قيل: من هذا؟ قال: جبريل، قيل: ومن معك؟ قال: محمد، قيل: وقد أرسل إليه؟ قال: نعم، قيل: مرحباً به، فنعم الجيء جاء، فلما خلصت إلى هارون، قال: هذا هارون، فسلم عليه، فسلمت عليه، فردّ، ثم قال: مرحباً بالأخ الصالح، والنبي الصالح .

ثم صعد بي إلى السماء السادسة، فاستفتح، قيل: من هذا؟ قال: جبريل، قيل: ومن معك؟ قال: محمد، قيل: وقد أرسل إليه؟ قال: نعم، قيل: مرحباً به، فنعم الجيء جاء، فلما خلصت فإذا موسى، قال: هذا موسى، فسلم عليه، فسلمت عليه، فردّ، ثم قال: مرحباً بالأخ الصالح، والنبي الصالح، فلما تجاوزت بكى، قيل له: ما يبكيك؟ قال: أبكي لأن غلاماً بعث

قبر: عذاب و خوشى آن

بعدي يدخل الجنة من أمته أكثر ممن يدخل من أمتي .  
ثم سعد بي إلى السماء السابعة، فاستفتح، قيل: من هذا؟  
قال: جبريل، قيل: ومن معك؟ قال: محمد، قيل: وقد بُعث  
إليه؟ قال: نعم، قيل: مرحباً به، فنعم الجيء جاء، فلما  
خلصت إذا إبراهيم، قال: هذا أبوك إبراهيم، فسلم عليه،  
فسلمتُ عليه، فردّ السلام، فقال: مرحباً بالابن الصالح،  
والنبي الصالح .

ثم رُفعت لي سدرة المنتهى، فإذا نبقها مثل قلال هجر،  
وإذا ورقها مثل آذان الفيلة، قال: هذه سدرة المنتهى، وإذا  
أربعة أنهار، نهران باطنان، ونهران ظاهران، قلتُ: ما هذان يا  
جبريل؟ قال: أما الباطنان فنهران في الجنة، وأما الظاهران  
فالنيل والفرات .

ثم رُفِع لي البيت المعمور، فقلتُ: يا جبريل: ما هذا؟ قال:  
هذا البيت المعمور، يدخله كل يوم سبعون ألف ملك، إذا  
خرجوا منه لم يعودوا إليه آخر ما عليهم، ثم أتيتُ بإناء من  
خمر، وإناء من لبن، وإناء من عسل، فأخذتُ اللبن، فقال: هي  
الفطرة التي أنت عليها وأمتك .

ثم فرضَ عليّ خمسون صلاة كل يوم، فرجعتُ فمررتُ  
على موسى، فقال: بم أمرت؟ قلتُ: أمرتُ بخمسين صلاة  
كل يوم، قال: إن أمتك لا تستطيع خمسين صلاة كل يوم،  
وإنني والله قد جربت الناس قبلك، وعالجتُ بني إسرائيل أشد  
المعالجة، فارجع إلى ربك فسله التخفيف لأمتك، فرجعتُ،



قبر: عذاب و خوشی آن

فوضع عني عشراً، فرجعتُ إلى موسى، فقال مثله، فوضع عني عشراً، فرجعتُ إلى موسى، فقال مثله، فرجعتُ فوضع عني عشراً، فرجعتُ إلى موسى، فقال مثله، فرجعتُ فوضع عني عشراً، فرجعتُ إلى موسى، فقال مثله، فرجعتُ فأمرت بخمس صلوات كل يوم، فرجعتُ إلى موسى، فقال: بِمَ أُمِرْتُ؟ قلتُ: بخمس صلوات كل يوم، قال: إنَّ أمتك لا تستطيع خمس صلوات كل يوم، وإني قد جربتُ الناس قبلك، وعالجتُ بني إسرائيل أشدَّ المعالجة، فارجع إلى ربك فسله التخفيف لأمتك، قلتُ: سألتُ ربي حتى استحيتُ منه، ولكن أَرْضِي وَأَسْلَمْ، فلَمَّا جاوزتُ ناداني منادٍ أمضيتُ فريضتي وخففتُ عن عبادي». [متفق عليه، وأحمد والنسائي].

از مالک بن صعصعه رضی اللہ عنہ روایت است که رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: در حالیکه زیر سایه دیوار کعبه بر پهلوی خود خوابیده بودم، ولی در خواب نبودم، فرشته ای آمد و سینه ام را شکافت و قلبم را بیرون آورد، و طشت طلائی که در آن پر از ایمان بود آورده شد، پس قلبم را با آب زمزم شستشو داده پر از ایمان کرد، و آنرا بسینه ام برگرداند، سپس حیوانی سفید رنگ کوچکتر از قاطر و بزرگتر از خر (الاعغ) که که آنرا براق می‌نامند آورده شد، هر گامی که بر می‌داشت اندازه آن تا چشم می‌بیند با هم فاصله داشت، بر آن سوار شدم و جبریل مرا برد تا اینکه به آسمان دنیا رسیدم، و از

### قبر: عذاب و خوشی آن

دربان خواست تا در را باز کند، آنان گفتند: چه کسی هستی؟ گفت: من جبریل هستم، گفتند: چه کسی با تو است؟ گفت: محمد، گفتند: آیا مبعوث و فرستاده شده؟ گفت: بلی، گفتند: خوش آمد، بهترین کسی است که آمد، پس در را باز کردند، وقتی بالا رفتم آدم عليه السلام را دیدم، جبریل گفت: این پدر تو آدم است، به او سلام کن، به او سلام کردم، و جواب سلامم را داد، سپس گفت: ای پیامبر صالح و فرزند نیک خوش آمدی .

سپس مرا بالا برد تا اینکه به آسمان دوم رسیدم، و از آنان خواست تا در را باز کنند، گفتند: چه کسی هستی؟ گفت: جبریل، گفتند: چه کسی با تو است؟ گفت: محمد، گفتند: آیا مبعوث شده؟ گفت: بلی، گفتند: خوش آمد، بهترین کسی است که آمد، و در را باز کردند، وقتی بالا رفتم، یحیی و عیسی دو پسر خاله را دیدم، گفت: این یحیی و عیسی هستند، بر آنها سلام کن، بر آنها سلام کردم، و جواب سلامم را دادند، سپس گفتند: برادر نیکوکار و پیامبر صالح خوش آمدی .

سپس مرا بطرف آسمان سوم بالا برد، و طلب باز کردن در شد، گفتند: چه کسی هستی؟ گفت: جبریل، گفتند: و چه کسی با تو است؟ گفت: محمد، گفتند: آیا مبعوث شده؟ گفت: بلی، گفتند: خوش آمد، بهترین کسی است که آمد، و در باز شد، وقتی بالا رفتم، یوسف را دیدم، گفت: این

### قبر: عذاب و خوشی آن

یوسف است، بر او سلام کن، پس بر او سلام کردم، جواب سلامم را داد، و گفت: برادر نکوکار و پیامبر صالح خوش آمدی .

سپس مرا بالا برد تا اینکه به آسمان چهارم رسیدم، و طلب باز کردن در شد، گفتند: چه کسی هستی؟ گفت: جبریل، گفتند: و چه کسی با تو است؟ گفت: محمد، گفتند: آیا مبعوث شده؟ گفت: بلی، گفتند: خوش آمد، بهترین کسی است که آمد، و در باز شد، وقتی بالا رفتم ادریس را دیدم، گفت: این ادریس است، بر او سلام کن، بر او سلام کردم، او جواب سلامم را داد، سپس گفت: برادر نکوکار و پیامبر صالح خوش آمدی .

سپس مرا بالا برد تا اینکه به آسمان پنجم رسیدم، و طلب باز کردن در شد، گفتند: چه کسی هستی؟ گفت: جبریل، گفتند: و چه کسی با تو است؟ گفت: محمد، گفتند: آیا مبعوث شده؟ گفت: بلی، گفتند: خوش آمد، بهترین کسی است که آمد، و وقتی بطرف هارون رفتم، گفت: این هارون است، بر او سلام کن، بر او سلام کردم، و او جواب سلامم را داد، سپس گفت: برادر نکوکار و پیامبر صالح خوش آمدی .

سپس مرا بطرف آسمان ششم بالا برد، و طلب باز کردن در شد، گفتند: چه کسی هستی؟ گفت: جبریل، گفتند: و چه کسی با تو است؟ گفت: محمد، گفتند: آیا مبعوث شده؟

### قبر: عذاب و خوشی آن

گفت: بلی، گفتند: خوش آمد، بهترین کسی است که آمد، و در باز شد، وقتی بالا رفتم موسی را دیدم، گفت: این موسی است، بر او سلام کن، بر او سلام کردم، و او جواب سلامم را داد، سپس گفت: برادر نکوکار و پیامبر صالح خوش آمدی

و وقتی از او عبور کرده و گذشتم، گریه کرد، گفتند: چه چیز تو را به گریه انداخت؟ گفت: گریه می‌کنم زیرا پیامبری بعد از من مبعوث شده که از امت و پیروان او بیشتر از امت و پیروان من داخل بهشت خواهند شد.

سپس مرا بطرف آسمان هفتم بالا برد، و طلب باز کردن در شد، گفتند: چه کسی هستی؟ گفت: جبریل، گفتند: و چه کسی با تو است؟ گفت: محمد، گفتند: آیا مبعوث شده؟ گفت: بلی، گفتند: خوش آمد، بهترین کسی است که آمد، و در باز شد، وقتی بالا رفتم ابراهیم را دیدم، گفت: این پدر تو ابراهیم است، بر او سلام کن، بر او سلام کردم، و او جواب سلامم را داد، و گفت: فرزند نکوکار و پیامبر صالح خوش آمدی.

پس بر من سدره المنتهی (یعنی: درخت کُنار) بهشت کشف و آشکار شد، و ثمره آنرا دیدم که مانند کوزه آب است که در شهر هجر (یکی از شهرهای نزدیک مدینه منوره)، وجود دارد، یعنی بزرگ و برگهای آن از بزرگی مانند گوشهای فیل است، گفت: این سدره المنتهی است، و چهار

### قبر: عذاب و خوشی آن

رودخانه را دیدم، دو رودخانهٔ محفی، و دو رودخانهٔ آشکار و ظاهر بود، گفتم: ای جبریل؟ این دو چیست؟ گفت: اما دو رود محفی، دو رود در جنت است، و اما دو رود آشکار و ظاهر، دو رود نیل و فرات است، یعنی: آنکه در بهشت می‌باشد.

سپس بر من بیت المعمور آشکار شد، یعنی: خانهٔ معمور، گفتم: ای جبریل این چیست؟ گفت: این بیت المعمور است (یعنی: خانه ای که خداوند در آن همهٔ چیزهاییکه در دنیا رخ خواهد داد نوشته است)، و در هر روز هفتاد هزار فرشته داخل آن می‌شوند و وقتی خارج شدند دوباره به آن باز نخواستند گشت.

سپس ظرفی از شراب، یعنی: عرق، و ظرفی از شیر، و ظرفی از عسل برایم آوردند، ظرف شیر را برداشتم، جبریل گفت: این فطرتی است که تو و امت تو بر آن هستید.

سپس بر من پنجاه نماز در هر شبانه روز فرض شد، و در حال برگشتن به زمین از کنار موسی علیه السلام گذشتم، موسی گفت: چه دستوری بتو داده شده است؟ گفتم: دستور پنجاه نماز در هر شبانه روز به من داده شده است، موسی گفت: امت تو استطاعت پنجاه نماز را ندارند، و بخدا سوگند که مردم را قبل از تو شناخته ام، و بنی‌اسرائیل را خیلی خوب بررسی کرده ام، پس بسوی پروردگارت برگردد و تقاضا کن تا خداوند برای امت تو تخفیف دهد، من برگشتم، خداوند ده تایی آنها

### قبر: عذاب و خوشی آن

را کم کرد، و بسوی موسی برگشتم، موسی همان گفتهٔ قبلی خود را تکرار کرد، من برگشتم، و خداوند ده تایی دیگر آنرا کم کرد، و بسوی موسی برگشتم، موسی همان گفتهٔ قبلی خود را تکرار کرد، من برگشتم و خداوند ده تایی دیگر آنرا کم کرد، و بسوی موسی برگشتم، با دیگر حضرت موسی همان سخنش را تکرار کرد، من برگشتم و خداوند ده تایی دیگر را نیز کم کرد، و دستور ده نماز در شبانه روز به من داده شد، پس برگشتم، موسی باز همان سخن خود را تکرار کرد، من برگشتم و در شبانه روز به پنج نماز دستور داده شدم، بار دیگر بسوی موسی برگشتم، موسی گفت: بتو چه دستوری داده شده است؟ گفتم: بخواندن پنج نماز در شبانه روز دستور داده شده ام، موسی گفت: امت تو استطاعت پنج نماز را ندارند، و من مردم را قبل از تو تجربه کرده ام، و بنی‌اسرائیل را خوب بررسی نموده ام، پس بسوی پروردگارت برگرد و برای امت خود طلب تخفیف کن، گفتم: من آنقدر از خدا سؤال تخفیف کرده ام که از او حیا و شرم دارم، بیشتر از این سؤال نمی‌کنم، به همین راضی و تسلیم هستم، هنگامی که از موسی گذشتم منادی مرا صدا زد و فرمود: فریضه‌هایم را تنفیذ و تمام کرده و برای بندگانم تخفیف دادم.

قبر: عذاب و خوشی آن

---

فصل هفتم:  
آنچه مرده بعد از وفات از آن ثمره و ثواب و پاداش میبرد

۱ — نماز بر میت:  
رسول اکرم ﷺ میفرماید: «ما من میت یرسل علیہ أمة

قبر: عذاب و خوشی آن

من المسلمین یبلغون أن یكونوا مائة، فیشفعون له، إلا شفَعوا فیهِ». [مسلم و غیره].

هر مرده ای که گروهی از مسلمانان بر او نماز بخوانند بطوریکه تعداد آنها بصد نفر برسد و برای او طلب شفاعت کنند، خداوند طلب شفاعت آنها را می‌پذیرد.

و همچنین فرمودند: «ما من میت یصلی علیه أمة من الناس إلا شفَعوا فیهِ». [النسائی، وصحیح الجامع ۵۶۶۳]

هر میتی که بر او جمعی از مردم نماز بخوانند، شفاعت آنها در مورد او پذیرفته می‌شود.

۲ — انس و ألفت گرفتن مرده به برادرش بعد از دفن، به اندازه کشتن شتری و تقسیم گوشت آن.

و دلیل اینرا قبلاً در قول عمرو بن العاص رضی الله عنه ذکر کردیم که گفت: وقتی مرا دفن کردید دور قرم به اندازه ای که شتری را ذبح کرده و گوشت آن تقسیم شود مکث کنید، تا اینکه به شما انس بگیرم و بینم چگونه رسولان خدا، یعنی: منکر و نکیر را جواب دهم.

۳ — بعد از دفن بلافاصله برای میت دعای مغفرت و تثبیت بکنیم، از عثمان بن عفان رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله وقتی از دفن میت فارغ می‌شدند آنجا ایستاده و می‌فرمودند: «استغفروا لأخیکم وسلوا له التثبیت، فإنه الآن یسأل». [أبوداود، وصحیح الجامع ۹۵۶].



### قبر: عذاب و خوشی آن

برای برادران استغفار کنید، و از باری تعالی برای او تثبیت قول حق بطلبید، زیرا الآن از او سؤال خواهد شد .  
۴ — صدقه جاریه ای که در زندگی خود وقتی در دنیا بوده انفاق کرده باشد، و علم و دانشی که به مردم یاد داده باشد، و فرزند صالح و نیکوکاری که برایش دعا کند .  
رسول اکرم ﷺ می فرماید: «إِذَا مَاتَ الْإِنْسَانُ انْقَطَعَ عَمَلُهُ إِلَّا مِنْ ثَلَاثٍ: صَدَقَةٌ جَارِيَةٌ، أَوْ عِلْمٌ يَنْتَفَعُ بِهِ، أَوْ وَلَدٍ صَالِحٍ يَدْعُو لَهُ» . [مسلم] .

وقتی انسان دنیا را وداع می گوید عمل او قطع می شود بجز از سه چیز: صدقه جاریه، یا علم و دانشی که از آن نفع برده شود، و یا فرزند صالح و نیکوکاری که برایش دعا کند .

۵ — صدقه ای که از طرف فرزند است .

از عایشه رضی الله عنها روایت است که مردی به رسول اکرم ﷺ گفت: «إِنَّ أُمَّيْ افْتَلَتَتْ نَفْسَهَا وَلَا أَرَاهَا لَوْ تَكَلَّمَتْ صَدَقَتٌ، فَهَلْ لَهَا مِنْ أَجْرٍ إِنْ تَصَدَّقْتُ عَنْهَا؟ قَالَ: نَعَمْ» .  
[متفق علیه] .

مادرم فوت کرده و حرف نزده است، و فکر می کنم اگر حرف می زد صدقه می داد، اگر من برایش صدقه کنم اجر و صدقه به او می رسد؟ فرمود: بلی .

۶ — دعا و استغفار کردن تمامی مسلمانان برای مرده، چنانکه باری تعالی می فرماید: «وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ

قبر: عذاب و خوشی آن

يقولون ربنا اغفر لنا ولإخواننا الذين سبقونا بالإيمان» .  
[الحشر ۱] .

[وآنانکه پس از مهاجرین و انصار آمدند دایم در دعا بدرگاه خدا عرض می‌کنند: پروردگارا ما و برادران دینی‌مان را که در ایمان از ما سبقت گرفتند، بیامرز] .

و رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: «من استغفر للمؤمنين وللمؤمنات، كتب الله له بكل مؤمن ومؤمنة حسنة» .  
[الطبرانی فی الکبیر، وصحیح الجامع ۵۹۰۲] .

هر کس برای مؤمنان استغفار کند، خداوند برایش به تعداد زن و مرد مسلمان اجر و پاداش می‌نویسد .

زندگی در مرزهای اسلامی (سنگر) در راه خدا .  
رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: «كل ميت ichtem علی عمله إلا المرابط فی سبیل الله، فإنه ینمی له عمله إلى یوم القیامة، ویؤمن فتنة القبر» . [أبوداود، الترمذی] .

هر میتی با مردنش عمل و کردار او پایان می‌یابد، بجز مرابط و کسی که در سنگر جهاد در راه خداست، که عمل و کردار او تا روز قیامت رشد و نمو کرده و زیاد می‌شود، و از فتنه و عذاب قبر نجات می‌یابد .

قبر: عذاب و خوشی آن

---

فصل هشتم:  
آنچه سبب می‌شود تا از عذاب قبر نجات یابد

۱ - شهید شدن در میدان جنگ .  
رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: «لِلشَهِيدِ عِنْدَ اللَّهِ سِتُّ خِصَالٍ: يُغْفَرُ لَهُ فِي أَوَّلِ دَفْعَةٍ مِنْ دَمِهِ، وَيُرَى مَقْعَدَهُ مِنَ الْجَنَّةِ،

قبر: عذاب و خوشی آن

ويجَار من عذاب القبر، ويأمن الفرع الأكبر، ويحلى حلية الإيمان، ويزوج من الحور العين، ويشفع في سبعين إنساناً من أقاربه». [الترمذي، وابن ماجه، وأحمد، وأحكام الجنائز ص ۳۵ - ۳۶].

شهید نزد خداوند شش ویژگی دارد: با اولین قطره خون او گناهانش بخشیده می‌شود، جایگاه خود را در بهشت می‌بیند، از عذاب قبر نجات می‌یابد، از وحشت بزرگ قبر در امان است، به زیور ایمان آراسته می‌شود، با حور عین ازدواج داده می‌شود، شفاعت او در باره هفتاد تن از خویشاوندانش پذیرفته می‌شود.

و مردی از یاران پیامبر ﷺ روایت می‌کند که مردی به نزد رسول اکرم ﷺ آمد و گفت: چرا مؤمنان بر آنان فتنه قبر نازل می‌شود، بجز شهید؟ فرمود: «كفى ببارقة السيوف على رأسه فتنة». [النسائي، وأحكام الجنائز ص ۳۶].  
برای آزمایش او برقه‌های شمشیری که بالای سر او بوده کافی است.

۲ - مرزداری در سنگرهای جهاد:

رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: «رباط يوم وليلة خير من صيام شهر وقيامه، وإن مات فيه أجره عليه عمله الذي كان يعمل، وأجره عليه رزقه، وأمن الفتان». [مسلم].

سنگر گرفتن يك شبانه روز در راه خدا از روزه گرفتن یکماه و زنده نگهداشتن شبهای آن بهتر است، و اگر کشته

### قبر: عذاب و خوشی آن

شد ثواب و اجر عملی که انجام می‌داده و رزق او برایش تا روز قیامت نوشته می‌شود، و از عذاب قبر در امان بوده و نجات خواهد یافت .

و همچنین می‌فرماید: «كل ميت یتحم علی عمله إلا المرابط فی سبیل الله، فإنه ینمی له عمله إلى یوم القیامة، ویؤمن فتنة القبر». [مسلم] .

هر مرده ای با مردن او عملش پایان می‌یابد، بجز سنگردار و مرابط در راه خدا، بلکه عمل او تا روز قیامت زیاد و افزایش یافته، و از عذاب قبر نجات می‌یابد .

۳ — مردن بسبب مرض شکم:

از عبدالله بن یسار روایت است که گفت: من با سلیمان بن صرد و خالد بن عرفطة نشستیم بودم، آنها گفتند: مردی بسبب شکم درد فوت کرد، و فهمیدم که این دو نفر می‌خواهند در تشییع جنازه آمرد شرکت کنند، پس یکی از آنها بدیگری گفت: آیا رسول اکرم ﷺ فرمودند: «من یقتله بطنه فلن یعذب فی قبره؟ فقال الآخر: بلی، — وفي رواية — صدقت». [الترمذی، أحكام الجنائز ص ۳۸، وغيره] .

کسیکه شکم درد او را بکشد در قبرش عذاب داده نمی‌شود؟ دیگری گفت: بلی، و در روایت دیگر آمده که شخص دومی گفت: راست گفتمی .

۴ — خواندن سوره تبارک:

رسول اکرم ﷺ فرمودند: «سورة تبارک هي المانعة من

قبر: عذاب و خوشی آن

عذاب القبر». [صحیح الجامع ۳۵۳۷].  
خواندن سوره تبارک از عذاب قبر جلوگیری می‌کند.  
۵ — مردن شب یا روز جمعه:  
رسول اکرم ﷺ فرمودند: «ما من مسلم يموت يوم الجمعة  
أو ليلة الجمعة إلا وقاه الله تعالى فتنة القبر». [أحمد،  
والترمذي، و صحیح الجامع ۵۶۴۹].  
هیچ مسلمانی روز یا شب جمعه از دنیا نمی‌رود مگر اینکه  
خداوند او را از فتنه قبر حفظ می‌کند.

پایان  
زندگی روز مره اسلامی

- ۱ — آیا نماز صبح را هر روز با جماعت در مسجد ادا  
می‌کنی؟  
۲ — آیا بر تمام نمازها با جماعت در مسجد محافظت

### قبر: عذاب و خوشی آن

می‌کنی؟

۳ — آیا امروز چیزی از قرآن را خوانده‌ای؟

۴ — آیا بر اذکار و اوراد بعد از هر نماز مواظبت

می‌کنی؟

۵ — آیا بر سنتهای راتبه قبل و بعد از هر نماز محافظت

می‌کنی؟

۶ — آیا امروز در نماز خاشع و خاضع بودی و

میدانستی چه می‌خوانی؟

۷ — آیا امروز مرگ و قبر را بخاطر آوردی؟

۸ — آیا آخرت و روز قیامت و احوال و سختیهای آنرا

بیاد آوردی؟

۹ — آیا از خداوند سه بار مسئلت کرده‌ای تا تو را به

بهشت داخل کند؟ زیرا کسیکه از خدا سه بار مسئلت کند تا

او را به بهشت داخل کند، بهشت گوید: بار الهی او را به

بهشت داخل کن<sup>(۱)</sup>.

۱۰ — آیا سه بار بخدا از آتش جهنم پناه خواسته‌ای؟

---

زیرا رسول اکرم ﷺ فرمودند: ((من سأل الله الجنة ثلاث مرات، قالت الجنة: اللهم أدخله الجنة، ومن استجار من النار ثلاث مرات، قالت النار: اللهم أجره من النار)). [الترمذی، وصحیح الجامع ۶۱۵۱]. هر کس سه بار از خدا بهشت را مسئلت نماید، بهشت گوید: خدایا او را به بهشت داخل کن، و کسیکه سه بار از دوزخ بخدا پناه ببرد، دوزخ گوید: خدایا او را از دوزخ بخود پناه

### قبر: عذاب و خوشی آن

زیرا هر کس اینرا انجام دهد، آتش جهنم گوید: با الهی او را از جهنم نجات بده . [در پاورقی سابق ذکر شد] .

۱۱ — آیا چیزی از احادیث رسول الله ﷺ خوانده ای؟

۱۲ — آیا در مورد دوری از همنشینان بد، فکر کرده ای؟

۱۳ — آیا تلاش کرده ای تا از خنده و شوخی زیاد پرهیز کنی؟

۱۴ — آیا امروز از ترس خدا گریه کرده ای؟

۱۵ — آیا اذکار صبح و عصر را خوانده ای؟

۱۶ — آیا امروز از گناهانت استغفار نموده ای؟

۱۷ — آیا از خداوند با صداقت خواسته ای تا شهید شوی؟ زیرا رسول اکرم ﷺ فرمودند: «من سأل الله الشهادة بصدق، بلغه الله منازل الشهداء وإن مات على فراشه» . [مسلم و غیره] .

کسیکه از خداوند با صداقت شهادت طلب کند و بخواهد شهید شود، خداوند او را به منازل شهداء می‌رساند اگر چه بر فراش و لحاف خود بمیرد .

۱۸ — آیا دعا کرده ای تا خدا قلبت را بر دین خود ثابت و استوار نگهدارد؟

۱۹ — آیا ساعت اجابت را غنیمت شمرده ای و در این ساعتها دعا کرده ای؟

۲۰ — آیا کتاب اسلامی جدیدی خریده ای تا اینکه از



### قبر: عذاب و خوشی آن

آن امور دین بیاموزی؟

- ۲۱ — آیا برای مردان و زنان مؤمن استغفار کرده ای، زیرا با هر استغفار برای زنان و مردان مسلمان به تعداد آنها بتو ثواب می‌رسد. [مراجعه شود ب ص ] .
- ۲۲ — آیا بخاطر نعمت اسلام که خدا بتو عطا فرموده است سپاسگذاری کرده و حمد و ستایش او را بجا آورده ای؟
- ۲۳ — آیا بخاطر نعمت چشم و گوش و سایر نعمتها که بتو ارزانی داشته سپاسگذاری نموده ای؟
- ۲۴ — آیا امروز به فقراء و محتاجین صدقه داده ای؟
- ۲۵ — آیا خشم بخاطر خودت را رها کرده ای؟ و تلاش نموده ای تا بجز بخاطر خداوند در موارد دیگر خشمگین و عصبانی نشوی؟
- ۲۶ — آیا از تکبر و فخر و خودخواهی پرهیز نموده ای؟
- ۲۷ — آیا بخاطر خدا برادر دینی خود را ملاقات نموده ای.
- ۲۸ — آیا برادر و قومان و خویشان و کسانیکه با آنها رفت و آمد داری بطرف اسلام دعوت کرده ای؟
- ۲۹ — آیا فرمانبردار پدر و مادر بوده ای؟ یعنی: آیا از آنها اطاعت کرده ای؟
- ۳۰ — آیا بتو مصیبتی وارد شده و گفته ای: ﴿إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾. [ما از آن خداییم و بسوی او باز خواهیم

قبر: عذاب و خوشی آن

گشت] (۱).

۳۱ — آیا امروز این دعا را خوانده ای؟  
«اللهم إني أعوذ بك أن أشرك بك وأنا أعلم، واستغفرك  
لما لا أعلم، من قال ذلك أذهب الله عنه كبار الشرك  
وصغاره». [صحي الجامع ۳۶۲۵].

خدایا! بتو پناه می‌برم از اینکه دانسته بتو شرک و رزم، و  
از آنچه که نمی‌دانم و انجام می‌دهم از تو طلب مغفرت و  
بخشش می‌طلبم.

کسیکه این دعا را بخواند، خداوند شکر کوچک و  
بزرگ را از او دور می‌کند.

و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمين، وصلى الله وسلم  
على نبينا محمد وعلى آله وصحبه وسلم تسليما كثيرا.

---

(۱) رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: ((ليسترجع أحدكم في كل شيء، حتى في شسع نعله، فإنها من  
المصائب)). [راجع شود بکتاب: الکلم الطيب، تحقيق الألباني حديث ۱۴۰]. هر يك از شما در  
همه چیزها بگوئید: «إنا لله وإنا إليه راجعون»، اگر هم در پاره شدن بند کفش او باشد، زیرا حتی  
این از مصیبتهاست که بر انسان وارد می‌شود.

قبر: عذاب و خوشی آن

---

### فهرست مطالب

صفحه	عنوان	م
	مقدمه مترجم	۱
	مقدمه مؤلف	۲
	فصل اول: آنچه قبل از قبض روح انسان رخ می‌دهد	۳

## قبر: عذاب و خوشی آن

م	عنوان	صفحه
۴	فصل دوم: هنگام سكرات مرگ و خارج شدن روح از بدن انسان	
۵	۵ - فصل سوم: آنچه بعد از قبض روح انسان رخ می‌دهد	
۶	۶ - فصل چهارم: عذاب جسمانی که گنهکاران در قبرشان می‌بینند	
۷	فصل پنجم: از گناهایی که گنهکاران در قبرشان بخاطر آن عذاب می‌بینند	
۸	فصل ششم: پیامبران علیهم السلام و زندگی برزخ	
۹	فصل هفتم: آنچه مرده بعد از وفات از آن ثمره و ثواب و پاداش می‌برد	
۱۰	فصل هشتم: آنچه سبب می‌شود تا انسان از عذاب قبر نجات یابد	
۱۱	پایان: زندگی روزمره اسلامی	
۱۲	فهرست مطالب	

